

جریده شعله جاوید ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان  
است که عمدتاً در خدمت تدارک، برپائی و پیشبرد جنگ مقاومت  
علی مردمی و انقلابی (شکل مشخص کنونی جنگ خلق) قرار دارد.  
(اسانامه حزب)

# شعله جاوید



## ارگان مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

شماره (۸)

دوره چهارم

شماره (۸)

پرولتراها همه کشورها متحد شوید!

زنده باد پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریا!

زنده باد انقلاب پرولتاریایی جهان! زنده باد مائوئیزم!

صفحه ۲



ژوندی دی وی دستر کلتوری پرولتاریایی انقلاب  
پنخوسمه کلیزه!

ژوندی دی وی دنری پرولتاریایی انقلاب! ژوندی دی  
مائوئیزم!

مبارزه برای ایجاد اصولی یک مرکز بین المللی مائوئیستی

از طریق تشکیل یک کنفرانس مائوئیستی بین المللی

تشدید مبارزه بخاطر تشکیل کنفرانس بین المللی متحده احزاب و  
سازمان های مائوئیست کشورهای مختلف جهان، تدوین و تصویب یک  
بیانیه و آئین نامه تشکیلاتی جدید .....

صفحه ۱۰

آغاز کارزار تجلیل از

پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین



انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین عالی ترین سطح ادامه  
مبارزه طبقاتی و ادامه انقلاب در مرحله گذار سوسیالیستی از  
سرمایه داری به کمونیزم برای رسیدن به جهان کمونیستی،  
که جنبش کمونیستی بین المللی تا حال تجربه کرده است،  
محسوب می گردد.

صفحه ۱۱

صفحه ۱۷

نامه حزب کمونیست مائوئیست ایتالیا به حزب کمونیست هند (مائوئیست)

پرولتراهاى همه كشورها متحد شويد!

## زنده باد پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر فرهنگى پرولتاريا!

### زنده باد انقلاب پرولتاریایی جهان! زنده باد مائوئیزم!

و بنابراین بطور روزافزون در تضاد با امپریالیسم یانکی، این یگانه قدرت برتر، قرار می‌گیرد. در میان کشورهای امپریالیستی اروپا مبارزه برای برتری طلبی (عمدتاً میان جرمنی و فرانسه) که قدرت رهبری آن‌ها سایر کشورهای امپریالیستی را رنج می‌دهد، هنوز قطعی نگردیده است.

ائتلاف امپریالیستی تحت رهبری ایالات متحده آمریکا که در ستیز با روسیه منتج به تبانی برای تقسیم و سیطره بر ملت سوریه و تمام شبه قاره [خاورمیانه] در توافقات اخیر (لاورور و کری) گردیده است، تمامی انواع کشتارها و قتل‌عام‌ها را تحت نام جنگ علیه "ترور" گسترش داده است. برای این منظور آن‌ها پرده‌های دودی به راه انداخته و خلق‌ها را به‌جان‌هم می‌اندازند تا جبهه ضد امپریالیستی دچار چند دستگی گردد.

در مدت اضافه تر از پنج سال تهاجم امپریالیستی بالای سوریه، بیشتر از ۴۷۰۰۰۰ نفر جان باخته و حدود ۲ میلیون نفر هم زخمی شده‌اند. در طی این مدت اوسط عمر انسان از ۷۰ سال به ۵۵٫۴ سال سقوط کرده است. این ارقام شامل ۵۳۵۰ نفری نیست که در جریان مهاجرت ۲۰۱۵ جان باخته‌اند.

تضاد عمده حدت یابنده عصر ما، تضاد میان ملل تحت ستم و امپریالیسم، تمامی تضادهای دیگر مثل تضاد ذات البینی امپریالیستی

جهان متراکم گردیده است. پنج سال قبل، ۴۱ فیصد سرمایه داران بزرگ در ایالات متحده آمریکا زندگی می‌کردند که فعلاً به ۴۶ فیصد افزایش یافته‌اند. به دلیل افزایش تراکم سرمایه، برای اولین بار پس از سال ۱۹۹۹ ایالات متحده آمریکا بیشتر از ۵۰ فیصد معاملات انحصاری سراسر جهان را بخود اختصاص داده است.

در قطب مخالف، در سراسر جهان در حدود ۸۰۰ میلیون انسان در فقر شدید به سر می‌برند. بیشتر این نفوس را کشورهای نیمه فیودالی دربر می‌گیرد که ۷۵ فیصد آن‌ها را دهقانان فقیر تشکیل می‌دهند. در حدود ۷۵۰ میلیون انسان به آب آشامیدنی و ۲۵ فیصد آن‌ها به برق دسترسی ندارند. صدها میلیون از توده‌ها از جنگ‌های امپریالیستی آسیب می‌بینند، مجبور به ترک مناطق شان می‌شوند، دچار بیماری‌های عمومی می‌گردند، گرسنگی می‌کشند و به بیکاری وحشت آور مبتلا می‌شوند. حتی در کشورهای مثل یونان بیکاری جوانان بالاتر از ۵۰ فیصد است.

امپریالیسم، عمدتاً امپریالیسم یانکی، جنگ‌های غارت‌گرانه و چپاول‌گرانه امپریالیستی را علیه کشورهای تحت سلطه اش بطور عمده در کشورهای شرق میانه؛ مثل افغانستان، عراق، لیبیا، سوریه، ایران و غیره به عنوان بخش عمده تجدید تقسیم امپریالیستی غارت‌گرانه جاری جهان گسترش می‌دهد. امپریالیسم یانکی تلاش می‌کند که موقعیتش را به عنوان یگانه ابرقدرت برتر جهان گسترش دهد، در حالی که امپریالیسم روسیه کوشش می‌کند که حوزه نفوذ و موقعیتش را به عنوان ابرقدرت اتمی حفظ نماید. همچنین چین امپریالیستی برای تجدید تقسیم شدیدتر کوشش می‌کند

در اول می امسال، ما پرولتاريا و خلق‌های تحت ستم جهان را فرا می‌خوانیم که پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر فرهنگى پرولتاریایی چین را تجلیل نمایند. انقلاب کبیر فرهنگى پرولتاریایی به‌عنوان مشعل رهنمای عظیم، اندیشه مائوتسه دون را شدیداً گسترش داد و صدر مائو را به رهبر شناخته شده انقلاب جهانی و مرحله جدیدی از مارکسیزم - لنینیسم (مائوئیزم) رقم زد.

پنج دهه بعد از آن که صدر مائو اظهار نمود: «امپریالیست‌ها و تمام مرتجعین ببرهای کاغذی اند»، امپریالیست‌ها در بحران طولانی و عمیق خود در سطح جهانی بیشتر فرورفته، وضعیت‌شان بیشتر از قبل حاد گردیده و شرایط برای پیشرفت انقلاب بیشتر مساعد شده است.

تراکم و تمرکز وحشیانه سرمایه در مراحل کنونی امپریالیسم به سطوح حادثری رسیده است. امروز یک فیصد نفوس جهان سرمایه‌ای بیشتر از بقیه نفوس جهان در اختیار دارند. این تراکم در پنج سال اخیر فشرده تر گردیده است. سرمایه ۶۲ فرد ثروتمند در جهان، ۴۵ فیصد افزایش یافته است، در حالیکه ثروت نصفی از فقیرترین انسان‌ها ۳۸ فیصد کاهش یافته است که اکثریت مطلق کشورهای تحت ستم را در برمی‌گیرد و تنها ۳۳ فیصد آن در هند زندگی می‌کنند. این بورژوازی بزرگ بطور فزاینده در کشور ابرقدرت برتر

و تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی در کشورهای امپریالیستی را تشدید می‌کند.

گذار روسیه به ایفای نقش فعال در جنگ سوریه بخشی از تلاش آن برای دفاع از منافعش در سوریه و اوکراین می‌باشد. به عنوان بخشی از منازعه ذات البینی امپریالیستی برای سلطه بر منطقه، حکومت‌های مزدور ترکیه و عربستان سعودی امپریالیزم یانکی را هر نوع تحریک و تشویق می‌کنند تا منطقه را بیشتر از پیش ویران سازد و ایران را درهم بکوبد و منزوی نماید، که نمونه اخیر آن را می‌توان در سربردن یک رهبر شیعه در عربستان برشمرد. تضاد ذات البینی امپریالیست‌ها نمی‌تواند نتایج سودمندی برای توده‌ها داشته باشد، بلکه عمیقتر شدن حالت مستعمراتی و نیمه مستعمراتی را، همانطوری که ما در سوریه، عراق، یمن و لیبیا شاهد هستیم، تشدید می‌کند.

بنابراین، در مورد مبارزات خلق کرد علیه سلطه‌گری دولت ترکیه و کشورهای شرق میانه، ما تأکید می‌کنیم که فقط انقلاب دموکراتیک نوین تحت رهبری همه جانبه احزاب مارکسیست - لنینیست - مائوئیست می‌تواند خلق‌ها را آزاد نموده و حق تعیین سرنوشت اقلیت‌های ملی را تا سرحد جدایی تضمین کند.

امواج بزرگی از آوارگان و پناهجویان توسط بحران منتج از جنگ امپریالیستی که کشورهای امپریالیستی اروپایی در آن دخیل هستند و فلاکت و ناامیدی ای که خلق‌های تحت ستم شرق میانه، آسیا و آفریقا در آن گرفتار شده‌اند، به حرکت در آمده است. درین رابطه می‌توان بیکاری گسترده درین مناطق، مخصوصاً در میان جوانان را نیز علاوه نمود.

این امواج پناهندگی بخشی از غارت‌گری امپریالیستی است، زیرا امپریالیست‌ها نیاز دارند که هر سال صدها هزار کارگر پناهنده را برای حفظ چرخش اقتصادشان در مقابله با "کسر جمعیت" در خود کشورهای امپریالیستی جذب نمایند. جرمنی نیاز دارد که تا سال ۲۰۱۶ هر سال ۵۰۰ هزار پناهنده را در اقتصاد خود جذب نماید. اما همین امپریالیست‌ها در مورد "تهدید پناهندگان" تبلیغ می‌کنند تا شوونیزم امپریالیستی را در میان جمعیت دامن زنند، فاشیزم را بخاطر جداسازی اکثریت پرولتاریا از پرولترهای پناهنده رشد دهند و افکار عامه را برای جنگ علیه خلق‌ها و جنگ‌های تجاوزگرانه امپریالیستی شکل دهند.

تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی در شکل تضاد میان توده‌ها و حکومت‌های کشورهای امپریالیستی حدت می‌یابد. علاوه بر این، جنگ امپریالیستی "به خانه برگشته است". با حملات بر پاریس و بروکسل، بورژواهای امپریالیستی اروپا قیمت سهم گیری فعالانه در جنگ غارت‌گرانه سوریه و مداخلات امپریالیستی در لیبیا، مالی و غیره را می‌پردازند.

وقتی امپریالیست‌ها جنگ امپریالیستی بخاطر سلطه‌گری به خارج را گسترش می‌دهند از لحاظ داخلی جنگ علیه توده‌های فقیر کشورهای شان را به راه می‌اندازند. امپریالیزم جنگ را به مثابه وسیله ای برای حل تمامی مشکلات به کار می‌برد. تحت نام "جنگ علیه تروریسم" آن‌ها دولت‌های اضطراری، سرکوب و نظامی سازی کل جامعه، کارزارهای ارتجاعی راسیستی و دیگرستیزی علیه همسایگان پناهنده را تحمیل می‌کنند.

آن‌ها با سیاست "تنظیمات و قانون جدید کار" حقوقی را که پرولتاریا از مدت‌ها بدین سو به دست آورده اند پامال نموده و استثمار کار مزدی را افزایش می‌دهند. میلیون‌ها کارگر مخصوصاً جوانان در اعتراضات نیرومند در فرانسه و سایر کشورهای اروپایی به جاده‌ها ریخته‌اند.

پرولتاریا و توده‌ها، تحت رهبری کمونیست‌ها، باید مقاومت پرولتاریایی و توده‌یی علیه جنگ داخلی را سازماندهی نمایند و قاطعانه تدارک برای تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ انقلابی را برعهده بگیرند.

برای به سرانجام رساندن کار از درون دژ امپریالیستی، کمونیست‌ها در حال ساختمان احزاب مائوئیست هستند، تلاش می‌کنند تا با تحناتی ترین توده‌های پرولتاریا در هم آمیزند، رهبری ایدئولوژیک انقلابی را در مقابله با کلیه ایدئولوژی‌های غیر پرولتری در دست گیرند، بخش‌های شدیداً تحت استثمار طبقه کارگر و توده‌های فقیر را بسیج نمایند، سیاسی سازند و سازماندهی کنند تا قادر به تدارک، آغاز و پیشبرد جنگ خلق گردند.

کشورهای تحت ستم امپریالیزم مراکز توفان و پایگاه انقلاب جهانی است. در هند، فیلیپین، ترکیه و پیرو توده‌ها و دهقانان، این نیروی عمده انقلاب دموکراتیک نوین از طریق انقلاب دهقانی به پاخاسته، از زمین‌های خود دفاع می‌کنند و نقشه‌های آواره‌سازی از روستاها توسط سرمایه داری بروکراتیک تولید شده توسط امپریالیزم را درهم می‌کوبند.

در هند، جنگ خلق تحت رهبری حزب کمونیست هند (مائوئیست) گسترش یافته و توانسته کارزارهای محاصره و سرکوب دشمن را در

هم بکوبد و شکست را بر کلیه امپریالیست‌ها و مرتجعین تحمیل کند. این یک نمونه عالی از چگونگی گسترش به جلو برای کلیه خلق‌های جهان می‌باشد. صدها میلیون دهقان با توده‌های کارگر هند در جنگ خلق تحت رهبری حزب

کمونیست هند (مائوئیست) یکجا شده و جنگ خلق را برپا می‌دارند، این نقطه قوت کبیر پرولتاریای جهان می‌باشد.

دولت فرسوده هند به رهبری باندرتراج "مودی" به کشتار همه جانبه دهقانان "ادیواسی" دست می‌زند، توده‌های انقلابی را در مزارع و شهرها دستگیر می‌کند، رهبران انقلابی و شخصیت‌های دموکراتیک را به عنوان بخشی از جنگ ضد مردمی اش، آزار و شکنجه می‌نماید تا مانع انقلاب گردد. بدین طریق دولت مرتجع هند ماهیت حقیقی و دموکراسی کذایی اش را به نمایش می‌گذارد.

حزب کمونیست هند (مائوئیست) از طریق جنگ خلق و شرکت در مبارزه آزادیبخش ملی در کشور، از تفرقه در میان توده‌ها جلوگیری می‌کند. آن‌ها رویزونیسم جدید را شکست می‌دهند و نمونه ای برای جنبش کمونیستی بین‌المللی هستند.

ورشکستگی حکومت‌های اپورتونیستی در برازیل، ارجنتاین، اکوادور، ونزوئلا و غیره، به مثابه بخشی از گسترش نامتوازن شرایط انقلابی در جهان، قسمتی از بحران رویزونیسم انتخاباتی است که فرصت‌های بزرگی را برای جنبش‌های انقلابی پرولتری فراهم می‌سازد.

در برازیل، بحران عمیق سیاسی - اقتصادی سرمایه داری بروکراتیک تبلیغات رسمی برای برازیل کنونی به عنوان یک قدرت نوین در حال ظهور ( "بریکس" \*) به عنوان چشم انداز نوین برای جهان و غیره) را از هم می‌پاشاند. در قلب این بحران اقتصادی، احزاب سیاسی سنتی و جدید که از فرکسیون‌های طبقاتی مختلف نمایندگی می‌کنند، به‌جان‌هم‌افتاده اند تا دیده شود که چه کسی می‌تواند در رأس ماشین کهنه دولتی قرار گیرد. در اثر ورشکستگی اپورتونیسمی که محرک موج جدید ضد کمونیستی بوده است، خیزش‌های دهقانی در اتحاد با مبارزات شهری، کلیت نظم کهن را تکان داده و مبارزه طبقاتی را به سطح نوین ارتقاء داده است.

این حقایق آشکار، رویزونیسم جدیدی را که در حزب کمونیست پیروم - ل - م / حزب کمونیست پیرو - جنبش عفو و حقوق

اساسی، رویزونیسم پاراچندا و اوکیان سربلند کرده و می‌خواهند درستی تحلیل لنین و مائو را رد نمایند و دو جریان عظیم جنبش بین‌المللی کمونیستی یعنی مبارزات آزادیبخش ملی خلق‌های تحت ستم و انقلاب پرولتاریایی را، که اتحاد آن‌ها توسط احزاب کمونیست تضمین شده است، از هم جدا سازند، بی‌نقاب می‌کند.

وظیفه عاجل جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی، بیش از پیش، این است که علیه حالت پراکندگی کنونی جنبش بین‌المللی کمونیستی بجنگد و برای کنفرانس بین‌المللی متحد احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست - مائوئیست مبارزه نماید و با اتکاء به این وظیفه و مبارزه خطی و به وجود آوردن سطح جدیدی از هماهنگی‌ها میان نیروهای مائوئیست در سراسر جهان و از آن طریق راه اندازی جنگ‌های خلق و تقویت مبارزات ضد امپریالیستی تحت رهبری انقلابی پرولتاریا، به پیش رود.

## پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی را تحلیل کنیم!

عمیق ایدیولوژیک اتخاذ نماییم و بدین مفهوم مائوئیسم را به عنوان موضوع کلیدی برای طبقه بخاطر تصرف قدرت کاملاً بپذیریم. این قدرت دولتی نوین مورد پشتیبانی توده‌های وسیع قرار خواهد داشت و توسط ارتش مردمی مورد حمایت و دفاع قرار خواهد گرفت.

پنجاه سال بعد از آغاز انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی، باد نیرومند شرق، برای روفتن امپریالیسم از کره زمین همچنان به وزیدن ادامه می‌دهد. جنگ ظفرمند خلق در هند، پیرو، فیلیپین و ترکیه سراسر جهان را زیر تهدید آتش خود قرار داده

ضربه محکمی علیه ایدیولوژی، سیاست و فرهنگ بورژوازی بود و توانست صدها میلیون توده را در دفاع از دیکتاتوری پرولتاریا بسیج نماید و طبقه پرولتاریایی بین‌المللی را با اندیشه مائوتسه‌دون (مائوئیسم) مسلح کند.

صدرمائوتسه‌دون این تیوری را که: «وظیفه عاجل انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی، مبارزه علیه قدرتمندانی که راه سرمایه داری را در پیش گرفته اند و مسئله اساسی در آن حل مشکل جهان بینی، بخاطر ریشه کن کردن رویزونیسم است.» پایه گذاری نمود. بنابراین ما باید انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی درخشان را در دست گرفته و آموزش‌های آن را برای تحول

انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی عالی‌ترین مرحله و بالاترین سطح انقلاب پرولتاریای جهانی بود که توسط صدر مائوتسه‌دون رهبری گردید و تکامل نمود. این انقلاب چگونگی مسایل رهبری مبارزه طبقاتی تحت دیکتاتوری پرولتاریا، ادامه انقلاب تحت سوسیالیسم و حرکت دادن جامعه به سوی کمونیسم را، بعد از احیاء سرمایه داری در اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۵۶)، حل نمود و برای ده سال از احیای دوباره سرمایه داری در چین جلوگیری کرد.

انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی

ما آغاز مبارزه برای قرارداد مائوئیسم در جایگاه فرماندهی و رهنمایی انقلاب جهانی پرولتری بخاطر روفتن امپریالیسم از روی زمین را جشن می‌گیریم. این چالش در برگیرنده حل وظیفه به تعویق افتاده ایجاد و احیای احزاب کمونیست مارکسیست - لنینیست - مائوئیست در پهنه گیتی است تا راه اندازی جنگ‌های خلق در شمار زیادی از کشورهای جهان ممکن گردد.

پرولتاریایی، ادامه خلاف جریان شنا کردن و ادامه مبارزه توفان زا و عمیق ایدیولوژیک - سیاسی برای به اهتزاز درآوردن مائوئیسم بخاطر تصرف قدرت توسط پرولتاریای بین المللی است. کمونیست‌های سراسر جهان باید نقش خود را با اقدامات جنگی علیه امپریالیسم ایفاء کنند تا مائوئیسم را در جایگاه فرماندهی و رهبری برای موج عظیم نوین انقلاب پرولتاریایی جهان قرار دهند و امپریالیسم را از روی زمین بروبند.

است. این جنگ‌های خلق، با وجود یک هزار مشکل، ثابت می‌سازند که راهزنان امپریالیست، تروریست‌های واقعی هستند، توده‌های خلق سازندگان قهرمان یک جهان نوین اند، کلیه امپریالیست‌ها و مرتجعین بهره‌ای کاغذی اند و توده‌ها قدرت واقعی هستند.

در اول می امسال، در جهانی که بیش از پیش توفانی و چالش برانگیز است، تجلیل از انقلاب کبیر فرهنگی

## مرگ بر جنگ‌های امپریالیستی! زنده باد جنگ‌های خلق!

پیش به سوی کنفرانس مائوئیستی متحده بین المللی و یک مرکز نوین بین المللی مائوئیستی!  
امپریالیسم و کلیه مرتجعین بهره‌ای کاغذی اند!

اول می ۲۰۱۶

- ۱- جمعی از مائوئیست‌های ایران
- ۲- کمیته ساختمان حزب کمونیست مائوئیست، گالیسیه - ایالت اسپانیه
- ۳- کمیته برای بنیانگذاری حزب کمونیست مائوئیست - اتریش
- ۴- هسته کمونیستی نیپال
- ۵- حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان
- ۶- جنبش مائوئیستی صربستان
- ۷- حزب کمونیست برازیل (فرکسیون سرخ)
- ۸- حزب کمونیست اکوادور (خورشید سرخ)
- ۹- حزب کمونیست هند (مائوئیست)\*\*
- ۱۰- حزب کمونیست ترکیه / مارکسیست - لنینیست\*\*
- ۱۱- دموکراسی و مبارزه طبقاتی - ایالت برتانیه
- ۱۲- موضع طبقاتی - جرمنی
- ۱۳- ناآرامی عظیم - ویلز ایالت برتانیه
- ۱۴- گروه کمونیست مائوئیست - ایالات متحده آمریکا
- ۱۵- جنبش مائوئیستی تونس
- ۱۶- حزب کمونیست مائوئیست فرانسه
- ۱۷- حزب کمونیست مائوئیست ایتالیا
- ۱۸- حزب کمونیست مائوئیست مانپور
- ۱۹- گروه مائوئیستی شورش (ایران)\*\*
- ۲۰- سازمان مائوئیستی برای احیای حزب کمونیست کلمبیا
- ۱۲- اتحاد انقلابی مائوئیستی - سریلانکا
- ۲۲- کمیته ساختمان حزب مارکسیست - لنینیست - مائوئیست جرمنی
- ۲۳- شبکه بلاگ‌های کمونیستی
- ۲۴- جنبش مردمی پیرو (کمیته سازماندهی مجدد)
- ۲۵- فرکسیون سرخ حزب کمونیست چیلی
- ۲۶- حزب کمونیست انقلابی کانادا
- ۲۷- جبهه انقلابی خلق بولیویا (م ل م)
- ۲۸- خدمت به خلق - اتحاد کمونیستی ناروی
- ۲۹- خدمتگزاران خلق - اوکسیتانیا - ایالت فرانسه
- ۳۰- صدای کارگران - مالیزیا

{\*\*} "BRICS" مخفف نام پنج کشور برازیل، روسیه، هند، چین و افریقای جنوبی است. (مترجم)

{\*\*} به دلیل مشکل ارتباطات، انتظار برای امضاء رسمی وجود دارد.

## ژوندی دی وی دستر کلتوری پرولتاریایی انقلاب پنخوسمه کلیمه!

### ژوندی دی وی دنری پرولتاریایی انقلاب! ژوندی دی مائوئیزم!

دامریکا تر رهبری لاندی امپریالیستی ائتلاف له روسی سره دتصادم سیاست د (لاورف او کری) تر منخ دموافقو په پایله کی چی د سوری او منحنی ختیخ په اړه وشوی په سازش بدل شو. دوی د سوری ملت تر ولکی راوستلو لپاره ددغه هیواد په وړاندی تولی عام وژنی د تروریزم ضد جنگ تر نوم لاندی پراخوی. د امپریالیزم ضد جبهه د کمزوره کولو لپاره یانکی امپریالیزم پرگنی دیو بل پر ضد کاروی.

په تیرو پنخه کلونو کی چی امپریالیستی یرغل په سوری باندی پیل شوی دی له ۴۷۰۰۰۰ تنو څخه ډیر خلک په کی وژل شوی او تر دوه میلیونو پوری تپیان شوی او په دغه موده کی دانسانانو اوسط عمر له ۷۰ کلو څخه ۵۵.۴ کلونو ته راتیبت شوی دی. دغه ارقام له هغه ۵۳۵۰ کسانو څخه جلا دی چی په ۲۰۱۵ کال کی د کدوالی په ترڅ کی وژل شوی دی.

زموږ دوقت عمده تضاد، دامپریالیزم او تر ستم لاندی پرگنو او ملتونو ترمنخ تضاد دی، چی دهغه تشدید دامپریالیزم خپل منخی تضادونه اودپرولتاریا او بورژوازی ترمنخ تضادونه تشدید وی.

د سوری په جگړه کی دخپلو گتولپاره دروسی فعاله ونده دامپریالیستی هیوادونو د خپل منخی تضادونو یوه برخه ده. د ترکیه او سعودی عربستان گوداگی رژیمونو کوشش کوی یانکی وهڅوی چی سیمه لا ورانه

د راغونډیدوپه پایله کی له ۱۹۹۰ کال را په دی خوا په لمړی ځل دنری ۵۰ سلنه سوداگریزی معاملی دامریکا لخوا انحصاری شوی دی.

په مقابل لوری کی په توله نری کی ۸۰۰ میلیونه وگری په بیوزلی کی ژوند کوی. ډیره برخه ددغه وگری په نیمه فیودالی هیوادونو کی ژوند کوی، چی ۷۵ سلنه یی بزگران دی. ۷۵۰ میلیونه انسانان دخبکلوپاکو اوبو ته لاس رسی نه لری او ۲۵ سلنه خلک بریینا ته لاس رسی نه لری. په سلگونه میلیونه پرگنی له امپریالیستی جگړو څخه متضرره کیوی، دمجبوری او اجبار له وجهی خپلو کورو څخه کډه کوی، په بیلابیلو ساری نارغیو اخته کیوی، لوړه تیره وی او په وحشتناکه وزگارتیا باندی اوری. په یونان غوندی هیواد کی تر ۵۰ فیصده ډیر خلک وزگار دی.

امپریالیزم، خصوصاً یانکی امپریالیزم تر خپل ولکی لاندی هیوادونو او منحنی ختیخ؛ لکه افغانستان، عراق، لیبیا، سوریه او ایران کی لوتونکی جگری دامپریالیستی ویش په خاطر پراخوی. یانکی امپریالیزم هڅه کوی ترڅو خپل موقعیت د ستر زبرځواک په توگه په نری کی پراخ کړی، دا په داسی حال کی ده چی روسی امپریالیزم کوبین کوی ترڅو دیو اتمی زبرځواک په توگه خپل موقعیت وساتی. همدارنگه دچین امپریالیزم دنری دلاژور تقسیم لپاره هڅه کوی او د همدی لپاره دیانکی امپریالیزم سره چی دنری یوازی زبرځواک تضادونه یی په زیاتیدو ده. په اروپایی امپریالیستی هیوادونو کی تر اوسه پوری رهبری (دجرمنی او یا فرانسوی) لخوا، چی دهغوی رهبری داروپا نورو هیوادونو خوروی، تر اوسه پوری قطعی شوی نده.

مونږ سبرکال د می په لمړی نیته دنری تر کړاو لاندی پرگنی را بولو ترڅو دچین ستر کلتوری پرولتاریایی انقلاب پنخوسمه کلیمه ولمانخی. ستر کلتوری پرولتاریایی انقلاب دیوی ستري دیوی په توگه دمانوتسه دون اندیشه ته یی پراختیا ورکړه او صدر مانو دنریوال انقلاب د رهبر په توگه و پیژندل شو او مارکسیزم - لنینیزم په مارکسیزم - لنینیزم - مانوتسه دون اندیشه (اوس مائوئیزم) باندی وواسته.

پنخوس کاله دمخه چی صدر مانو وویلی ول (تول امپریالیستان او مرتجعین کاغذی زمیان دی) امپریالیستان په نریواله کچه په ژور او اوږد کرکیچ کی ډوب دی، حالت یی تر پخوا لاکرکیچن شوی او دانقلاب لپاره شرایط مساعد شوی دی.

دامپریالیزم د سرمایه وحشیانه تمرکز او تراکم خپلی لوری کچی ته رسیدلی دی. نن دنری یو فیصد نفوس دپاتی تولی نری نفوس څخه ډیره پانگه لری، چی دسرمایه دغه تراکم په تیر پنخه کلو کی لا هم ډیر شوی دی. دنری ۶۲ شتمونو پانگه ۴۵ سلنه لوړه شوی دی دا په داسی حال کی ده چی دنری دبی وزلو سرمایه ۳۸ سلنه کمه شوی ده، چی ډیری تر کړاو لاندی په هیوادونو کی دی او یوازی ۳۳ سلنه یی په هند کی ژوند کوی. ددغه لویه بورژوازی لویه برخه په زبرځواکه هیواد کی را غونډه شوی ده. پنخه کاله دمخه ۴۱ سلنه ستر پانگه وال په امریکا کی ژوند کوه، چی اوس دغه فیصدی ۴۶ سلنی ته لوړه شوی ده. دپانگی

کری او ایران منزوی کری، چی وروستی بیلگه یی په عربستان کی د یو شیعه عالم سرپریکول یادولی شوه. دامپریالیستانو خپل منخی تضادونه پرگنو لپاره بڼی پایلی نشی لرلی، بلکه مستعمراتی اونیمه مستعمراتی حالت زیاتوی لکه چی مونږ په سوریه، عراق، یمن او لیبیا کی شاهدان یو.

دهمدی لپاره مونږ تاکید کوو چی دکردانو مبارزی چی دترکیه دبرلاسی په وړاندی کوی د کمونیست(مارکسیست- لنینیست- مانوئیست) گوند تر رهبری او دنوی دموکراتیک انقلاب له لاری بریالی کیدلی شی او پرگنی آزادیدلی شی او ملی اقلیتونو ته دی دبلیتون ترکیچی پوری دخپل دسرنوشت د تعیینولو حق ورکول کیدلای شی.

دکډوالی لوی موجونه چی د امپریالیستی جگړو او کرکیچ له امله چی اروپایی امپریالیستی هیوادونو په هغه کی ښکیل دی، دممنخی ختیځ، آسیا او افریقایي هیوادونو پرگنی له لویو ستونزو او کراوونو سره مخامخ دی په حرکت راغلی چی یو علت یی په دغه هیوادو کی دکار نشتون دی.

دکډوالی لوی موجونه دامپریالیستی غارتگری یوه برخه ده. امپریالیستان دخپل اقتصادی موخو لپاره په هر کال کی په سلگونو زرو نوی کارگرانو ته اړتیا لری ځکه چی امپریالیستان په خپلو هیوادونوکی د جمعیت له کمبود سره مخامخ دی. جرمنی تر ۲۰۶۰ کال پوری هرکال د خپل اقتصاد لپاره ۵ لکه کډوال کارگرو ته اړتیا لری. اما له بلی خوا همدغه امپریالیستان ”دکډوالو گواښ“ تبلیغوی ترڅو امپریالیستی شوونیزم ته لمن ووه. دوی دکډوال

پرولتاریا اومحلی پرولتاریا ترمنخ دبلیتون اچولو لپاره فاشیزم ته لاره هواروی، او دپرگنو په وړاندی دیرغلیزو امپریالیستی جگړو لپاره دعامه ذهن تیاوری.

دپرولتاریا او بورژوازی تر منخ تضاد، دپرگنو اودامپریالیستی هیوادونو دحکومتونو ترمنخ د تضاد په شکل، ترینگی حالت غوره کوی. ددی ترڅنگ امپریالیستی جگړی کورته بیرته راغلی دی او داروپا امپریالیستی بورژوازی دسوریی، لیبیا اومالی په لوتون کو جگړو بیع اوقیمت، دپاریس او بروکسل په بریدونو کی ادا کړه.

کله چی امپریالیستان په نورو هیوادونو کی امپریالیستی جگړی پراخوی په کورنی لحاظ دوی پخپل هیوادونوکی د بی وزلو پرگنو پر وړاندی جگړه پیلوی. امپریالیستان جگړه دتولو ستونزو دحل لاره په توگه کاروی. دتروریزم پرضد جنگ تر عنوان لاندی دنورو هیوادونو په خلاف جگړه پیلوی. دوی ټوله ټولنه دپوځیتوب په لور بیایی او همدارنگه دوی غواری چی کډوالو په وړاندی توکمیزه او راسیستی چلند دود کړی. دوی دکار (نوی قانون او تنظیمات) سیاست په پلي کولو سره دپرولتاریا هغه حقوق چی دمودو را په دی خوا په لاس راوړی پایمال کړی او دمزدی کار استثمار لور کړی دی. په میلیونونو زیارکښان او خصوصاً ځوانان په اروپایی هیوادو او او خصوصاً په فرانسه کی د اعتراض په توگه واټونوته را وتلی دی.

دکمونیست گوند تر رهبری لاندی پرولتاریا او پرگنی باید دکورنیو جگړو په وړاندی پرولتاریایی مقاومت را منخ ته کړی او امپریالیستی جگړی په انقلابی جگړو باندی دبدلولو لپاره چمتوالی ونیسی.

کمونیستان له دننه دامپریالیزم دقلا د وړانولو لپاره، باید مانوئیست گوندونو ورغوی، له پرولتاریایی پرگنو سره یو ځای شی او دانقلابی ایډیالوژی د رهبری په لاس کی نیولو سره له غیر انقلابی ایډیالوژی گانو په وړاندی ودربړی، تر کړاو او استعمار لاندی زیارکښان او پرگنی

راتولی کری او هغوی ته سیاسی شعور ورکړی ترڅو دپرگنو جگړی (دخلکو جگړه) دپیل وړتیا پیدا کړی.

تر کړاو لاندی هیوادونه د نړیوال انقلاب هدی او توفانی مراکز دی. په هند، فیلیپین، ترکیه او پیرو هیوادونوکی پرگنی او بزگران چی دنوی دموکراتیک انقلاب اصلی سپاهیان دی، دبزگری انقلاب له لاری راپاڅیدلی دی، له خپلو ځمکو څخه دفاع کوی او دامپریالیزم لخوا روزل شوی بروکراتیک سرمایه داری هغه نقشه چی غواری دوی له کلو او بانډو څخه په زور وباسی، دری وری کوی.

په هند کی دهند کمونیست (مانوئیست) گوند تر رهبری لاندی دپرگنو جگړی پراخوالی موندلی دی او د دښمن له خوا دسیمی د محاصری او سرکوب پروگرام دری وری کړی، په ټولو امپریالیستانو او مرتجعینو باندی ماته (شکست) تحمیل کړی دی. دا دنړی دپرگنو دپرمختک یوه عالی بیلگه ده. په سلگونه میلیونونه بزگران له کارگرانو سره دکمونست گوند تر رهبری لاندی یو ځای شوی دی او دپرگنو جگړه پرمخ بیایی او دا دنړی پرولتاریا لپاره د وړتیا یو لوی ټکی دی.

دمودی دارتجاعی بانډ په رهبری دهند شریډلی دولت دادیواسی بزگرانو عام وژنه باندی لاس پوری کوی او انقلابی پرگنی په خپلو کرکیلو او ښارونو کی او انقلابی شخصیتونه د پرگنو ضد جگړی دیوی برخی په توگه شکنجه کوی ترڅو دانقلاب مخه ونیسی او په دغه توگه دهند مرتجع دولت اصلی ماهیت او د دروغجنی دموکراسی څیره ښیی.

یعنی پرولتاریایی انقلاب اوتر کراو لاندی پرگنو آزادی ببنوونکی ملی مبارزی سره بیلی کری بی نقابہ کرل۔

مارکسیستی - لنینیستی۔ مانوئیستی غورخنگ بیرونی دندہ دادہ چی دنریوال کمونیستی غورخنگ اوسنی تیت اوپرک حالت پروراندی

وجنگیزی او دمارکسیستی۔ لنینیستی - مانوئیستی گوندونو او سازمانونو دبین المللی کنفراس لپارہ مبارزہ وکری او پر دغہ دندہ پہ اتکا سرہ د دوه خطی مبارزی لہ لاری د مانوئیستی دلو ترمخ دہم غبری نوی سطحہ رامنخ تہ کری ترخو دانقلابی پرولتاریا تر رہبری لاندی امپریالیستی ضد جگرہ پرمخ بوزی۔

کی سنتی سیاسی گوندونہ چی دبیلابلو طبقاتی فرکسیونونو استازی توب کوی لہ یویل سرہ اختہ دی او وہ لیدل شی چی خوک بہ د حکومت زارہ ماشین پہ رأس (سر) کی راشی۔

داپورتونستانو پہ ماتی سرہ چی دکمونستی خوخبنت پہ ضدی کار کاوہ د بزگرانو پاخونونہ لہ بشاری مبارزو سرہ یوخای زور نظام پہ لیزہ راوری او طبقاتی مبارزی یوہ نوی کچی تہ لورہ کری دہ۔

دغہ پنکارہ حقیقتونہ دہغہ نوی رویزیونیزم چی د پیرو م۔ ل۔ م کمونست گوند/ پہ پیرو کی داساسی حقوقو او بیننی غورخنگ، د پارچندا او اوکیان رویزیونیزم پہ شکل نوی سر پورته کری او غواری چی د لنین او مانو دتحلیل سموالی رد کری او دنریوال کمونیستی غورخنگ دوه لوی جریانونہ

دہند کمونست (مانوئیست) گوند پہ هیواد کی د پرگنوجگرو او آزادی ببنوونکی ملی مبارزی لہ لاری د پرگنو د ویش اوتفرقی خخہ مخنیوی کوی، نوی رویزیونیزوم تہ ماتہ ورکوی او دا دنریوال کمونیستی غورخنگ لپارہ یوہ عالی بیلگہ دہ، پہ برازیل، ارجنتین، اکوادور او ونزوئلا کی داپورتونستی حکومتونو ماتہ او د تاکنیز رویزیونیزم کرکیچ دپرولتاری انقلابی غورخنگونو تہ لوی فرصتونہ برابر کری دی۔

پہ برازیل کی ژور سیاسی۔ اقتصادی کرکیچ داوسنی برازیل دیو نوی راتوکیدلی قدرت (بریکس) پہ توگہ دنری لپارہ لہ منخہ یوور۔ دنوموری اقتصادی کرکیچ پہ زرہ

## دستر فرهنگی پرولتاریایی انقلاب پنخوسمہ کلزہ مانخو!

او دامپریالیزم تر نابودی پوری بہ روان وی۔ پہ ہند، پیرو، فلپین او ترکیہ کی بریمنی انقلابی جگری د دنری گوٹ گوٹ یی ترخپل اور لاندی نیولی دی۔ دا دپرگنو جگری، لہ خپلو ستونزو سرہ سرہ، پہ داگہ کوی چی واقعی او حقیقی تروریستان امپریالیستان دی، پرگنی دنوی نری اصلی قهرمانان دی او تول امپریالیستان او مرتجعین کاغذی زمریان دی۔

دمی پہ لمری سبرکال نری دتیرپہ پرتلہ لا توفانی شوی دی۔ دستر فرہنگی پرولتاریایی انقلاب لمانخل دابو دمخالف لوری دلامبو وھلو دوام دی

دپرولتاریا د قدرت او مانوئیزم دتوغ پورته کولو لپارہ پہ نریوالہ

دفاع کی سلگونہ میلیونہ پرگنی راغوندی کری او دپرولتاریا طبقہ دمانوتسہ دون اندیشہ (مانوئیزم) پہ سلاح باندی مسلح کری۔

صدر مانوتسہ دون وویل: «دستر فرہنگی پرولتاریایی انقلاب بیرونی دندہ دہغو کسانو سرہ مبارزہ دہ چی دسرمایہ داری لارہ خپلہ کری او پہ ہغہ کی اساسی مسئلہ دنری لید موضوع حلول او درویزیونیزم ریبنی لہ منخہ وړل دی۔ مونو باید دستر فرہنگی پرولتاریایی انقلاب خراغ پہ لاس کی واخلو او ہغہ دخپل ایدیالوژی دژور بدلون لپارہ او دہغہ سیاسی قدرت د نیولو لپارہ، چی دخلکو دپوخ لہ ملاترہ برخہ مند وی، وکاروو۔

دستر فرہنگی پرولتاریایی انقلاب لہ پیلیدو نہ پنخوس کال وروستہ لہ ختیخ خخہ دستر توفان لا دالتو پہ حال کی دی

دستر فرہنگی پرولتاریایی انقلاب د نریوال پرولتاریایی انقلاب لورہ او عالی کچہ وہ چی دمانوتسہ دون لخوا رہبری شو او پرمختک یی وموند۔ دغہ انقلاب د پرولتاریایی دیکتاتوری تر رہبری لاندی د طبقاتی مبارزی او انقلاب دوام او دتولنی حرکت دکمونیزم پہ لور تلل، پہ شوروی اتحاد کی دسرمایہ داری لہ احیاء خخہ وروستہ، ستونزہ حل کرہ، او دلسو کلونو لپارہ پہ چین کی دسرمایہ داری دبیا ژوندی کیدو خخہ مخنیوی وکر۔

دستر فرہنگی پرولتاریایی انقلاب دپورژوای دفرہنگ، سیاست او ایدیالوژی پر وړاندی کلکہ ضربہ وہ او پہ دی بریالی شوه چی دپرولتاریایی دیکتاتوری خخہ پہ



کچه توفانی ژوره ایډیالوژیک سیاسی مبارزه غواری. دنری کمونیستان باید د امپریالیزم پر وړاندی جگریه کی خپل رول په جگریه ایز توگه ادا کری، مائوئیزم دنریوال انقلاب د لاری څراغ وگرځوی او دامپریالیزم بربریت ته دپای ټکی کیږدی. دامپریالیزم له منځه وړل چی زمونږ لپاره په اوسنی وخت کی دیوی ننگونی په توگه مطرح ده او دنریوال انقلاب د رهنما او دستور العمل په توگه مونږ

مائوئیزم ته اړتیا لرو. همدارنگه دکمونیستی گوندونو دبیا را ژوندی کولو لپاره او دنری داكثره هیوادونو دپرگنو جگری لپاره ورته اړتیا لرو.

## مرگ پرامپریالیستی جگړو! ژوندی دی وی دپرگنو جگری!

دمائوئیستی متحده بین المللی کنفرانس او دنوی بین المللی کمونیستی مرکز د جوړولو په لور!

### امپریالیزم او ټول مرتجعین کاغذی زمریان دی!

#### دمی اوله ۲۰۱۶

۱. دایران دمائوئیستانو یوه دله
  ۲. دکمونیست مائوئیست گوند د جوړولو کمیټه، گالسیه- د اسپانی ایالت.
  ۳. دکمونیست مائوئیست گوند د بنسټ ایښودلو دپاره کمیټه - اتریش
  ۴. دنپال کمونیستی هسته
  ۵. دافغانستان کمونیست (مائوئیست) گوند
  ۶. دصربستان مائوئیستی جنبش
  ۷. دبرازیل کمونیست گوند (سور فرکسیون)
  ۸. داکوادور کمونیست گوند (سره لمر)
  ۹. د هند کمونیست گوند (مائوئیست)\*\*
  ۱۰. دترکی کمونیست گوند / مارکسیست- لنینیست\*\*
  ۱۱. دموکراسی او طبقاتی مبارزه - دبرتانی ایالت
  ۱۲. طبقاتی موضع - جرمنی
  ۱۳. ستر ناآرامی - ویلز- دبرتانی ایالت
  ۱۴. کمونیست مائوئیست گروپ- ایالات متحده د امریکا متحده ایالات
  ۱۵. دتونس مائوئیستی جنبش
  ۱۶. دفرانسی کمونیست مائوئیست گوند
  ۱۷. دایټالی کمونیست مائوئیست گوند
  ۱۸. دمانپور کمونیست مائوئیست گوند
  ۱۹. دشورش مائوئیستی ډله (ایران)\*\*
  ۲۰. دکلمبیا دکمونیست گوند دبیا ژوندی کولو دپاره کمیټه
  ۲۱. مائوئیستی انقلابی اتحاد - سریلانکا
  ۲۲. دجرمنی دمارکسیست- لنینیست- مائوئیست گوند دجوړولو کمیټه
  ۲۳. دکمونیستی بلاگونو شبکه
  ۲۴. دپیرو ولسی جنبش (دبیا سازماندهی کمیټه)
  ۲۵. دچیلی کمونیست گوند سره فرکسیون
  ۲۶. دکانادا انقلابی کمونیست گوند
  ۲۷. دبولیویا دخلکو انقلابی جبهه (م ل م)
  ۲۸. خلک ته خدمت - دناروی کمونیستی اتحاد
  ۲۹. دخلگ خدمتگاران - اوکستینیا - دفرانسی ایالت
  ۳۰. دکارگرانو غږ - مالیزیا
- (\*) "BRICS" دپنځه هیوادونو (برازیل، روسیه، هند، چین او جنوبی افریقا) دنومونو مخفف دی [ژباړونکی].
- (\*\*) دارتباطاتو د مشکل په سبب، درسمی امضا دپاره انتظار موجود دی.

## مبارزه برای ایجاد اصولی یک مرکز بین‌المللی مائوئیستی

### از طریق تشکیل یک کنفرانس مائوئیستی بین‌المللی

ما نیاز داریم که احزاب مائوئیست جدیدی در کشورهای مختلف جهان تشکیل گردند و احزاب موجود بطور روزافزون تقویت گردند و گسترش یابند.

ما نیاز داریم که جنگ خلق‌های جدیدی براه بیفتند و جنگ خلق‌های موجود تحکیم و گسترش یابند.

ما نیاز داریم که کارزارهای مبارزاتی بین‌المللی بیشتر، گسترده‌تر و منظم‌تری برپا کنیم و پیش ببریم.

ما نیاز داریم که بحث اصولی، سازنده و نتیجه خیز در مورد مسایل مورد اختلاف میان بخش‌های مختلف جنبش مائوئیستی بین‌المللی را بصورت منظم و پیگیر پیش ببریم.

ما نیاز داریم که در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و همچنان رویزونیسم و اپورتونیسم صدای تبلیغی و ترویجی بین‌المللی واحد و مؤثری داشته باشیم.

دستیابی اصولی و مؤثر به وسایل مورد ضرورت برای رفع این نیازها، مستلزم ایجاد اصولی هرچه سریع‌تر و عاجل‌تر یک مرکز بین‌المللی مائوئیستی از طریق تشکیل یک کنفرانس مائوئیستی بین‌المللی بخاطر خاتمه بخشیدن به پراکندگی کنونی جنبش است. این خواستی است که طی چند سال اخیر در هر اعلامیه مائوئیستی بین‌المللی مشترک احزاب و سازمان‌های مائوئیست کشورهای مختلف جهان مطرح شده است.

بنابراین بر همه ما لازم است که بیشتر از پیش این نیازمندی‌ها و مبارزه برای دستیابی به وسایل مورد ضرورت برای رفع آن‌ها را جدی‌تر بگیریم و منظم‌تر و پیگیرتر از قبل مبارزه درین راستا را پیش ببریم.

میان بعضی از احزاب و سازمان‌های مائوئیست برجا گذاشته و از این لحاظ علیه تلاش‌ها برای تجمع مجدد جنبش مائوئیستی در سطح بین‌المللی مانع تراشی کرده و کماکان به این مانع تراشی ادامه می‌دهند.

باگذشت هفت سال از زمان تلاش‌های احزاب و سازمان‌های مائوئیست مربوط به "جا" و بیرون از "جا" برای تجمع مجدد در سطح بین‌المللی، که با انتشار اولین اعلامیه مائوئیستی مشترک در اول می ۲۰۰۹ توسط آن‌ها براه افتاد و سپس با تشکیل جلسه ویژه احزاب و سازمان‌های جنبش انقلابی انترناسیونالیستی کیفیت عالی‌تری یافت، اینک ما در موقعیتی قرار گرفته ایم که باید بیشتر از پیش بر تلاش‌ها و کوشش‌های مان درین راستا بیفزاییم تا بتوانیم هرچه سریع‌تر به پراکندگی کنونی جنبش بین‌المللی کمونیستی - مشخصاً جنبش بین‌المللی مائوئیستی - خاتمه ببخشیم.

در طی هفت سال گذشته ما نه تنها توفیق یافته ایم که همه ساله در روز جهانی کارگر (اول می) اعلامیه‌های مائوئیستی بین‌المللی مشترک صادر کنیم، بلکه قادر گشته ایم که در اتحاد با بعضی از نیروهای غیر مائوئیست یک کارزار اصولی نسبتاً وسیع بین‌المللی و منطقه‌یی در دفاع از جنگ خلق در هند را توسط کمیته بین‌المللی و منطقه‌یی پشتیبانی از جنگ خلق در هند را پیش ببریم.

تحکیم و گسترش جنگ خلق در هند و فیلیپین و طبعاً گسترش سرکوبگری‌های ارتجاع و امپریالیسم علیه خلق‌های این دو کشور، در متن گسترش جنگ‌های امپریالیستی و ارتجاعی علیه خلق‌های جهان، به ویژه در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم و طبعاً بیشتر شدن امکان برپایی مقاومت‌های ملی مردمی و انقلابی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی درین کشورها از یکجانب و گسترش و نیرومند شدن جنبش مائوئیستی در اروپا و امریکای لاتین از جانب دیگر، آن فاکتورهای مشخصی هستند که در اول می امسال شاهد آن هستیم. بنابراین باید بصورت عاجل فرصت‌های این تحولات را دریابیم و علیه مخاطرات آن‌ها بطور اصولی و شجاعانه به نبرد برخیزیم.

تشدید مبارزه بخاطر تشکیل کنفرانس بین‌المللی متحده احزاب و سازمان‌های مائوئیست کشورهای مختلف جهان، تدوین و تصویب یک بیانیه و آئین نامه تشکیلاتی جدید بین‌المللی بجای بیانیه و آئین نامه تشکیلاتی قبلی جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و ایجاد یک مرکز اولیه مائوئیستی بین‌المللی بجای کمیته قبلی "جا"، برای جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی بین‌المللی بیشتر از پیش به یک ضرورت عاجل و فوری مبارزاتی بین‌المللی بدل شده است.

اکنون چندین سال از زمان آغاز غیر فعال شدن جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، در اثر تأثیرات منفی تبارز طرحات و عملکردهای انحلال طلبانه و تسلیم طلبانه رویونیسم جدید درون حزب کمونیست پیرو، رویونیسم پاراچندا در حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) و رویونیسم پسا م ل م اوکیانی در حزب کمونیست انقلابی، می‌گذرد. در طی این مدت احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست - مائوئیست کشورهای مختلف جهان، به شمول حزب ما (حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان)، مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی علیه این اشکال جدید رویونیسم را، چه در سطح کشورها و چه در سطح بین‌المللی، پیش برده اند.

در نتیجه این مبارزات رویونیست‌های جدید متذکره نه تنها موفق نگردیده اند که احزاب و سازمان‌های مائوئیست کشورهای مختلف جهان را بطرف خود بکشانند، بلکه وسیعاً ایزوله شده و در واقع از این جنبش بیرون انداخته شده اند.

در عین حال انحرافات متذکره تأثیرات سوء خود را در سطح بین‌المللی تا حد معینی بصورت ایجاد سردرگمی‌ها و گیجی‌های ایدئولوژیک - سیاسی در

## آغاز کارزار تجلیل از

### پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین



مائوتسه‌دون ( امروز مائوتیسم ) را تکامل بین‌المللی همه‌جانبه مارکسیسم-لنینیسم در هر سه جزء تیوری‌های فلسفی، سیاسی و اقتصاد سیاسی و به عبارت دیگر سومین مرحله تکامل همه‌جانبه بین‌المللی ایدئولوژی و علم انقلاب پرولتری اعلام کرد.

هدف اساسی انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین، ایجاد تحول در جهان‌بینی حزب، دولت، طبقه کارگر و توده‌های وسیع خلق چین بخاطر ریشه کردن رویونیسم بود. در واقع در راستای تأمین همین هدف بود که نه تنها حزب و رهبران و صفوف انقلابی آن در جریان این انقلاب بسیج شدند بلکه توده‌های انقلابی ده‌ها میلیونی خلق چین، به ویژه جوانان انقلابی، که پس از برپایی انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی در گاردهای سرخ سازماندهی و انسجام یافتند، نیز برای پیشبرد این انقلاب به میدان‌های مبارزه کشانده شدند.

همانطوری که مائوتسه‌دون گفته بود، هدف عاجل انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین، سرنگونی قدرتمندان پانهاده در راه سرمایه‌داری در درون حزب کمونیست چین و دولت چین بود. او گفته بود:

«ستاد فرماندهی بورژوازی در درون کمیته مرکزی حزب کمونیست چین است. این ستاد را به توپ ببندید!»

در همان اولین ایام راه‌اندازی و پیشبرد انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی، ستاد فرماندهی بورژوازی تحت رهبری لیوشاچی به سرعت افشا و سرنگون گردید و زمینه از لحاظ ایدئولوژیک-سیاسی و تشکیلاتی برای برگذاری نهمین کنگره سراسری حزب کمونیست چین و تثبیت مائوتیسم (در آن زمان اندیشه مائوتسه‌دون)، به عنوان سومین مرحله در تکامل ایدئولوژی و علم انقلاب پرولتری و تثبیت مجدد رهبری مائوتسه‌دون در حزب کمونیست چین، مساعد گردید.

نهمین کنگره سراسری حزب کمونیست چین - در سال ۱۹۶۹ - اندیشه

انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین عالی‌ترین سطح ادامه مبارزه طبقاتی و ادامه انقلاب در مرحله گذار سوسیالیستی از سرمایه‌داری به کمونیسم برای رسیدن به جهان کمونیستی، که جنبش کمونیستی بین‌المللی تا حال تجربه کرده است، محسوب می‌گردد. این انقلاب با تجربه اندوزی از احیای سرمایه‌داری در شوروی سوسیالیستی و موجودیت قدرتمندان رویونیست در حزب کمونیست چین و دولت چین، ضرورت عاجل سرنگونی این قدرتمندان پانهاده در راه سرمایه‌داری و ضرورت اساسی ایجاد تحول مورد نیاز در جهان‌بینی حزب، طبقه کارگر، دولت و جامعه چین بخاطر ریشه کن کردن رویونیسم، فرمولبندی، راه‌اندازی و رهبری گردید و توانست مدت یک دهه از احیای سرمایه‌داری در چین جلوگیری نماید. اما تصرف قدرت توسط رویونیست‌های درون حزب کمونیست چین و دولت چین در سال ۱۹۷۶، پس از درگذشت مائوتسه‌دون، از طریق یک کودتای نظامی و ناکامی جناح انقلابی داخل حزب کمونیست چین و دولت چین در جلوگیری از این کودتا و دستگیری رهبران آن جناح توسط کودتاگران رویونیست، به انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین پایان بخشید و باعث احیای سرمایه‌داری در چین گردید.

ولی چه شد که این انقلاب پیروزمند ده ساله، مدت زمان اندکی پس از درگذشت مائوتسه دون، نیمه کاره پایان یافت و در واقع به شکست کشانده شد؟

هدف عاجل انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین، با سرنگونی ستاد فرماندهی بورژوازی رویزیونیستی لیوشاچی پایان نیافت. مدت زمان اندکی پس از تدویر نهمین کنگره سراسری حزب کمونیست چین، ستاد فرماندهی انحرافی چپ‌نما تحت رهبری لین پیاو در رهبری حزب کمونیست چین و دولت چین آشکارا سربلند کرد و به سرعت بطرف سازماندهی کودتا علیه مائوتسه دون حرکت نمود. این کودتا ناکام گردید و لین پیاو پس از ناکامی آن در جریان یک سانحه هوایی کشته شد. سنتریزم چوئن لای در خنثی کردن و به ناکامی کشاندن این کودتا نقش اساسی بازی نمود و همین امر باعث گردید که وی بتواند تین هسیائوپینگ رویزیونیست را دوباره به مراجع قدرت حزبی و دولتی برگرداند. جناح رویزیونیست تحت رهبری تین هسیائوپینگ در طی چندسال توانست بقدر کافی قدرت بگیرد و عاقبت پس از درگذشت مائوتسه دون علیه جناح انقلابی در حزب و دولت چین کودتا نماید.

کودتای لین پیاو و نقش اساسی سنتریزم چوئن لای در ناکام ساختن این کودتا و برگشت مجدد تین هسیائوپینگ رویزیونیست به مراجع قدرت حزبی و دولتی، لبه مبارزاتی تیز ضد رویزیونیستی

انقلاب فرهنگی و مشخصاً جناح انقلابی تحت رهبری مائوتسه دون در حزب کمونیست چین و دولت چین را، چه در رابطه با هدف عاجل انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی و چه در رابطه با هدف اساسی آن، تا حدی کند نمود.

وقتی تین هسیائوپینگ به عنوان نماینده عالی دولت چین در سخنرانی خود در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۳، علناً تیوری رویزیونیستی سه جهان را فرمولبندی و بیان نمود، کندی لبه مبارزاتی ضد رویزیونیستی مذکور بیشتر گردید. در نتیجه رویزیونیست‌ها نه تنها مواضع شان را در داخل حزب کمونیست چین تحکیم و گسترش دادند بلکه توانستند در درون دولت چین و مشخصاً در بخش دیپلماسی بین المللی دولت چین نیز بطور روزافزونی قدرت شان را تحکیم و گسترش دهند.

رویزیونیست‌های چینی حتی توانستند تا این سرحد پیش بروند که بعد از درگذشت مائوتسه دون، تیوری رویزیونیستی سه جهان را به مائوتسه دون نسبت دهند و احزاب و سازمان‌های کمونیست پیرو اندیشه مائوتسه دون در کشورهای مختلف جهان را وسیعاً به سوی این انحراف رویزیونیستی سوق دهند.

علاوتاً نهمین کنگره سراسری حزب کمونیست چین، علیرغم دستاورد عظیم تاریخی مبنی بر تثبیت اندیشه مائوتسه دون (امروز مائوتیزم) به عنوان تکامل همه جانبه تیوری‌های فلسفی، سیاسی و اقتصاد سیاسی ایدیولوژی و علم انقلاب پرولتاری در سطح بین المللی، دو اشتباه فاحش تیوریک و تشکیلاتی مرتکب گردید: اشتباه فاحش تیوریک آن طرح تیوری "عصر زوال امپریالیزم" و اشتباه فاحش تشکیلاتی آن اعلام لین پیاو به عنوان جانشین مائوتسه دون بود. این دو اشتباه فاحش مرتبط بهم، گرچه نقش

فرعی و ضمنی تأثیر گذاری‌های لین پیاوئیستی بر جریان تدارک و تدویر نهمین کنگره سراسری حزب کمونیست چین را نشان می‌دهد، اما پس لگدهای بعدی آن، پس از کودتای ناکام لین پیاو، برای حزب کمونیست چین و مشخصاً انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین به شدت زیان آور بود و تا حد زیادی توان و قدرت انقلاب و مشخصاً رهبری انقلاب در بسیج حزب و توده‌ها را کاهش داد.

مائوتسه دون در اواخر عمر خود "گروه پنج نفر"، شامل گروه چهارنفر و خودش، را به عنوان ستاد رهبری جناح انقلابی حزب شکل داد. اما او نه تنها دورنمای تحولات سیاسی در چین بعد از خود را مخاطره آمیز می‌دید و درین مورد باری بطور مشخص به همسرش چیان چین هوشدار داد، بلکه ضعیفی "گروه چهارنفر" را به عنوان یک گروه تازه شکل یافته در درون حزب کمونیست چین و دولت چین، نیز به روشنی می‌دید. در واقع همین ضعیفی باعث گردید که "گروه چهار نفر" بعد از درگذشت مائوتسه دون با قرار گرفتن هواکوفینگ در رأس حزب کمونیست چین اجباراً موافقه نماید تا حداقل رأس قدرت حزبی و دولتی تحت کنترل مستقیم و فوری رویزیونیست‌های شناخته شده ای چون تین هسیائوپینگ و نزدیکانش قرار نگیرد. اما قرار گرفتن هواکوفینگ در رأس حزب کمونیست چین برای جناح انقلابی درون حزب کمونیست چین راه‌گشا نبود. هواکوفینگ به عنوان یک پل عبور توسط

رویزیونیست‌ها علیه جناح انقلابی "گروه چهار نفر" مورد استفاده قرار گرفت و سپس به مراجع قدرت پایین تر کشانده شد و نقشش فرعی گردید.

جناح انقلابی "گروه چهار نفر" در جریان کودتای رویزیونیستی نیز از خود قاطعیت و عکس العمل بموقع نشان داده نتوانست و در واقع به رویزیونیست‌ها فرصت داد که کودتای ارتجاعی شان را به سرانجام رسانند. پس از دستگیری و زندانی شدن "چهارنفر" مقاومت‌های مسلحانه پراکنده دسته‌های در حال فروپاشی گاردهای سرخ، که شجاعانه و قهرمانانه مدت چند سال دوام کرد، نتوانست تکامل و گسترش حاصل نماید و سرانجام بطور کلی شکست خورد و عاقبت رویزیونیست‌ها توانستند بصورت بلامنازع بر حزب و دولت چین مسلط گردند.

بنابراین روشن است که در جریان تدارک، برپایی و پیشبرد انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین نواقص و کمبودات جدی ایدیولوژیک سیاسی و تشکیلاتی وجود داشته است. علیرغم این نواقص و کمبودات جدی، تا زمانی که مائوتسه دون حیات داشت، صرفاً با تکیه بر اتوریتته عظیم انقلابی شخص مائوتسه دون از شکست کلی انقلاب و احیای سرمایه داری در چین جلوگیری گردید، هرچند عقب‌نشینی‌های مهمی در عرصه‌های مختلف بر انقلاب فرهنگی و از این طریق بر کل انقلاب چین تحمیل گردید. اما وقتی آن اتوریتته عظیم انقلابی شخصی از میان رفت،

رویزیونیست‌ها توانستند به سرعت از جناح غیر عمده به جناح عمده در حزب و دولت چین مبدل شوند و در نتیجه قادر گشتند با توسل به خشونت عریان کودتایی، جناح انقلابی را از حزب و دولت چین تصفیه نمایند.

در واقع باید گفت که کنگره هشتم حزب کمونیست چین، که در سال ۱۹۵۶ دایر شد، تا حد زیادی باعث تحکیم و گسترش مواضع لیوشاوچی، تین هسیائوپینگ و سایرین در حزب کمونیست و دولت چین، که بعداً در ابتدای انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی به عنوان رویزیونیست افشا شده و از قدرت به زیر کشیده شدند، گردید. در مورد این کنگره، در اسناد منتشر شده کنونی توسط رویزیونیست‌های بر سر قدرت با خوشوقتی گفته شده است:

«این نخستین کنگره حزب کمونیست چین از زمان برسر قدرت آمدن حزب در ۱۹۴۹ است. این کنگره در زمانی دایر گردید که تحول سوسیالیستی در چین عمدتاً انجام یافته بود و حزب با اوضاع نوین و وظایف نوین مواجه بود. مائوتسه دون سخنرانی افتتاحیه را ارائه نمود. لیوشاوچی گزارش سیاسی را تقدیم کرد. چوئن لای گزارش در مورد پیشنهادات برای پلان پنجساله دوم (۱۹۵۸-۱۹۶۲) برای انکشاف اقتصاد کشور را ارائه نمود. تین هسیائوپینگ گزارش در مورد اصلاح اساسنامه حزب کمونیست چین را تقدیم نمود. در کنگره خاطر نشان گردید که: نظر به اینکه نظام سوسیالیستی اساساً در چین برقرار گردیده است، تضاد عمده در کشور دیگر تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی نیست، بلکه تضاد منتج از نیاز مردم برای انکشاف سریع اقتصادی و فرهنگی و کمبود مقتضیات آن‌ها است. وظیفه عمده در مقابل تمام ملت، تمرکز تمامی تلاش‌ها روی انکشاف نیروهای مولده،

صنعتی ساختن کشور و رسیدگی تدریجی به نیازمندی‌های در حال رشد اقتصادی و فرهنگی مردم است. کنگره روی مسئله ساختمان حزب بر سر قدرت تأکید نمود، روی ضرورت پاسداری از سائترالیزم دموکراتیک و رهبری جمعی پافشاری کرد، با کیش شخصیت مخالفت نمود، دموکراسی درون حزبی و تحکیم پیوندهای حزب با توده‌ها را اولویت داد. بنابراین کنگره راستاهای انکشاف آرمان‌های سوسیالیستی و ساختمان حزب در آینده را معین نمود.

کنگره یک کمیته مرکزی جدید، متشکل از ۹۷ عضو اصلی و ۷۳ عضو علی‌البدل، انتخاب نمود. در پولینوم اول کمیته مرکزی هشتم حزب کمونیست چین، بدنه‌های رهبری متشکل از مائوتسه دون به عنوان صدر کمیته مرکزی، لیوشاوچی، چوئن لای، چوتنه و چین یون به عنوان معاونین صدر و تین هسیائوپینگ به عنوان منشی عمومی انتخاب گردید. همچنان همین شش نفر انتخاب شدند تا کمیته دایم دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب را شکل دهند.» (برگرفته از سایت حزب کمونیست چین)

اگر عبارات نقل شده فوق را با عبارات دیگری در مورد کنگره سراسری هفتم حزب کمونیست چین مقایسه نماییم، نیرومندی وحشت آور لیوشاوچی و تین هسیائوپینگ را در جریان تدارک و تدویر کنگره هشتم، یعنی ارائه گزارش سیاسی و پیشنهادات اصلاحی در مورد متن اساسنامه حزب توسط آن‌ها

و همچنان انتخاب لیوشاچی به عنوان معاون اول صدر و انتخاب تین هسیائوپینگ به عنوان منشی عمومی و شمولیت هردوی شان در کمیته شش نفره دایم دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب، بخوبی مشاهده می‌نماییم. از جانب دیگر مخالفت کنگره با به اصطلاح کیش شخصیت از یک طرف و حذف "اندیشه" مائوتسه‌دون" از اسناد اساسی حزب از طرف دیگر را به روشنی می‌بینیم.

درینجا به نقل عباراتی در مورد کنگره سراسری هفتم حزب کمونیست چین می‌پردازیم:

«در کنگره: مائوتسه دون گزارش سیاسی در مورد حکومت ائتلافی را ارائه کرد؛ لیوشاچی گزارش در مورد اصلاح اساسنامه حزب را مطرح نمود؛ چوته گزارش نظامی در مورد میدان نبرد در مناطق آزاد شده را تقدیم نمود و چوئن لای یک سخنرانی مهم در باره جبهه متحد ایراد نمود.

کنگره خط سیاسی حزب را که عبارت بود از «بسیج جسورانه توده‌ها و گسترش نیروهای خلق تا که آن‌ها تحت رهبری حزب ما متجاوزین جاپانی را شکست دهند، تمام مردم را آزاد سازند و یک چین دموکراتیک نوین بنا نهند» مورد تصویب قرار داد. اساسنامه جدید حزب که در کنگره به تصویب رسید تصریح نمود که: «حزب کمونیست چین اندیشه مائوتسه دون را که تیوری مارکسیستی-لنینیستی را با پراتیک انقلاب چین تلفیق نموده است به عنوان خط رهنمای تمامی کارهایش پذیرفته

است». این به حزب کمک می‌رساند که به طرز بی‌سابقه ای استحکام و وحدت حاصل نماید و بنیاد برای پیروزی کامل علیه متجاوزین جاپانی و بعدتر پیروزی سرتاسری انقلاب دموکراتیک نوین را پی‌ریزی کند.

کنگره یک کمیته مرکزی شامل ۴۴ عضو اصلی و ۳۳ عضو علی‌البدل انتخاب نمود. در پولینوم اول کمیته مرکزی هفتم، مائوتسه دون، چوته، لیوشاچی، چوئن لای، رن بیچی، چین یون، کان شین، گواگان، پین چین، دون بیوو، لین بوقو، زان وینتیان و پن دهوای به دفتر سیاسی کمیته مرکزی انتخاب شدند. مائوتسه دون، چوته، لیوشاچی، چوئن لای و رن بیچی به عنوان اعضای دبیرخانه انتخاب شدند و مائوتسه دون به عنوان صدر کمیته مرکزی انتخاب گردید.

به این ترتیب کنگره سراسری هفتم حزب کمونیست چین اندیشه مائوتسه دون را تلفیق تیوری مارکسیستی-لنینیستی با پراتیک انقلاب چین تعریف می‌کند و آن را به عنوان خط رهنما در تمامی کارهای خود می‌پذیرد. اما کنگره سراسری هفتم آن حزب، که ۷ سال بعد از پیروزی سراسری انقلاب دموکراتیک نوین چین و گذار به انقلاب سوسیالیستی تدویر گردید، عبارت اندیشه مائوتسه دون را از اسناد اساسی حزب حذف می‌نماید.

کنگره سراسری هشتم حزب کمونیست چین، یازده سال بعد از کنگره سراسری هفتم آن حزب دایر گردید. اما کنگره سراسری نهم حزب سیزده سال پس از کنگره سراسری هشتم دایر گردید.

در کنگره سراسری نهم حزب کمونیست چین که پس از آغاز و پیشرفت چند ساله انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین دایر گردید، یک‌بار دیگر روی اندیشه مائوتسه دون تأکید صورت گرفت، اما در سطح عالی‌تر و تکامل یافته‌تر، تأکیدی

که در واقع در کنگره سراسری دهم حزب بازهم تکرار گردید. در اساسنامه تصویب شده در کنگره سراسری دهم حزب کمونیست چین، که در ماه اگست ۱۹۷۳ یعنی چهار سال بعد از کنگره سراسری نهم حزب دایر گردید، گفته شده است که:

«حزب کمونیست چین مارکسیزم-لنینیسم-اندیشه مائوتسه دون را به مثابه اساس تیوریک رهنمای اندیشه خود بکار می‌بندد.»

بنابراین نه تنها حذف اندیشه مائوتسه‌دون توسط کنگره سراسری هشتم حزب کمونیست چین، از زاویه نیرومندی رویزبونیست‌های چون لیوشاچی و تین هسیائوپینگ در داخل آن حزب قابل توجه است، بلکه تفاوت جدی در تعریف از اندیشه مائوتسه‌دون توسط کنگره سراسری هفتم حزب از یک طرف و کنگره‌های نهم و دهم حزب از طرف دیگر قابل دقت است. کنگره سراسری هفتم حزب، اندیشه مائوتسه دون را تلفیق تیوری مارکسیستی-لنینیستی با پراتیک انقلاب چین و به عنوان خط رهنمای حزب در تمامی کارهایش تعریف می‌نماید. اما کنگره‌های سراسری نهم و دهم حزب فرمولبندی «بکار بستن مارکسیزم-لنینیسم-اندیشه مائوتسه دون را به مثابه اساس تیوریک رهنمای اندیشه خود» می‌پذیرد. در کنگره نهم کلیت مارکسیزم-لنینیسم-اندیشه مائوتسه دون (امروز مائوتیسم) اساس تیوریک رهنمای اندیشه حزب است، اما در کنگره هفتم،

اساس تیوریک حزب مارکسیزم - لنینیسم است و اندیشه مائوتسه دون صرفاً به مثابه تلفیق این تیوری با پراتیک انقلاب چین به عنوان "خط رهنما" در تمامی کارهای حزب پذیرفته می شود.

از جانب دیگر تعریفی که کنگره سراسری هشتم حزب کمونیست چین و کنگره های سراسری نهم و دهم آن حزب از جامعه سوسیالیستی ارائه می نماید، تفاوت کیفی عظیمی باهم دارند. کنگره سراسری هشتم حزب مدعی است که:

«در کنگره خاطر نشان گردید که: نظر به اینکه نظام سوسیالیستی اساساً در چین برقرار گردیده است، تضاد عمده در کشور دیگر تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی نیست، بلکه تضاد منتج از نیاز مردم برای انکشاف سریع اقتصادی و فرهنگی و کمبود مقتضیات آنها است. وظیفه عمده در مقابل تمام ملت، تمرکز تمامی تلاش ها روی انکشاف نیروهای مولده، صنعتی ساختن کشور و رسیدگی تدریجی به نیازمندی های در حال رشد اقتصادی و فرهنگی مردم است»

اما در کنگره سراسری دهم حزب، در تشابه با احکام صادره در کنگره سراسری نهم حزب، در مورد جامعه سوسیالیستی گفته شده است که:

«جامعه سوسیالیستی یک دوره تاریخی بس طولانی را در برمی گیرد. در سراسر این دوره تاریخی، طبقات و تضادهای طبقاتی و مبارزه طبقاتی وجود

دارد، مبارزه بین راه سوسیالیستی و راه سرمایه داری جریان دارد، و خطر احیای سرمایه داری موجود است، و خطر براندازی و تخریب و تجاوز از جانب امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم جامعه را تهدید می کند. این تضادها را تنها با اتکاء به تیوری ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا و با اتکاء بر پراتیک تحت رهبری آن می توان حل نمود.

به این ترتیب انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی یک انقلاب کبیر سیاسی است که پرولتاریا در شرایط سوسیالیسم، جهت تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا و جلوگیری از احیای سرمایه داری علیه بورژوازی و سایر طبقات استثمارگر به آن دست زده است. باید به چنین انقلاباتی در آینده بارها و بارها دست زد.»

برعلاوه آنچه در کنگره سراسری هشتم حزب کمونیست چین از زاویه مسایل تشکیلاتی حزب بیان می گردد، با توجه به آنچه که رویونیست های تینگ هسیا توپینگی بعد از تصرف قدرت، سرنگونی سوسیالیسم و احیای سرمایه داری در چین در مورد مائوتسه دون بیان داشتند، قدرت تشکیلاتی رویونیست ها از لحاظ تیوریک در درون حزب کمونیست چین را نشان می دهد:

«کنگره روی مسئله ساختمان حزب بر سر قدرت تاکید نمود، روی ضرورت پاسداری از سانترالیسم دموکراتیک و رهبری جمعی پافشاری کرد، با کیش شخصیت مخالفت نمود، دموکراسی درون حزبی و تحکیم پیوندهای حزب با توده ها را اولویت داد. بنابراین کنگره راستاهای انکشاف آرمان های سوسیالیستی و ساختمان حزب در آینده را معین نمود.» (تأکیدات توسط ما صورت گرفته است.)

بدین ترتیب تحت تأثیر مسایل و اوضاع و احوال برشمرده در فوق، انقلاب کبیر

فرهنگی پرولتاریایی چین گرچه موفق شد که ده سال تمام از سرنگونی سوسیالیسم و احیای سرمایه داری در چین جلوگیری نماید؛ اما از آنجایی که این انقلاب، به دلیل ناتوانی های ذاتی جناح انقلابی و وسعت انحرافات و مشکلات در درون حزب کمونیست چین، نتوانست تمامی اشباح ها و هیولاها را از سر راه انقلاب برود و مشکل جانشینان انقلابی را بطور قاطع و قدرتمندانه حل و فصل نماید، رویونیست های تصفیه شده از حزب حتی در زمان حیات مائوتسه دون وسیعاً به درون حزب و دولت برگشتند و مواضع قدرتمندی را در دست گرفتند و با اتکاء بر آن مواضع توانستند پس از درگذشت مائوتسه دون با استفاده از ناتوانی های دولتی، نظامی و تشکیلاتی جناح انقلابی "گروه چهارنفر" دست به کودتا بزنند و به قدرت حاکم بلامنازع در حزب و دولت چین مبدل گردند.

در واقع در همان زمان حیات مائوتسه دون در نیمه اول دهه هفتاد، به هر میزانی که رویونیست های تصفیه شده از حزب و دولت در نیمه اول دهه انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین (نیمه دوم دهه شصت)، به مواضع قدرت در حزب و دولت برمی گشتند، حداقل بصورت نسبی سیاست های انقلاب فرهنگی خدشه دار می شد و بدین معنی سرمایه داری در ساحات تحت نفوذ آنها بصورت نسبی احیاء می گردید. بدین ترتیب در اواخر حیات مائوتسه دون سلطه

جناح انقلابی بر حزب و دولت چین بسیار نسبی و در واقع متزلزل بود، سلطه بسیار نسبی و متزلزلی که در مدت زمان اندکی بعد از درگذشت مائوتسه دون از میان رفت.

علاوه بر تمامی این مسائیل و مشکلات، فروکش نسبی مبارزات انقلابی در سطح جهان بطور کلی و به انحراف کشانده شدن تعداد زیادی از مبارزات آزادیبخش ملی از زاویه وابسته شدن به سیاست‌های سوسیال امپریالیستی شوروی، به عنوان شرایط تأثیرگذار بین المللی بر اوضاع چین، نیز در نیمه اول دهه هفتاد نقش منفی خود را بر اوضاع چین در جهت تضعیف جناح انقلابی تحت رهبری مائوتسه دون برجای نهاد. کل سیاست مبتنی بر عکس العمل منفی بیش از حد حزب کمونیست چین علیه تمرکز گرایی کمینترن، که منجر به نوعی کم توجهی یا حداقل عدم توجه کافی در قبال ضرورت سازمان دهی کافی و قاطع جنبش کمونیستی بین المللی می گردید، نیز نقش منفی مذکور را تقویت و گسترش می بخشید. نقش منفی مذکور در نیمه اول دهه هفتاد طبق تیوری تقسیم دنیا به سه جهان و حتی تا حد معینی، و البته بصورت غیر مسلط، طبق تیوری روزافزون بر سیاست‌های حزب کمونیست چین و دولت چین تقویت و گسترش می یافت.

بدین ترتیب آنچه اساساً و عمدتاً باعث شکست انقلاب چین در کل و شکست انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین بطور خاص گردید، نادرستی‌ها و کمبودات خط رهبری کننده آن‌ها نبود، بلکه عدم کفایت نیروی جناح انقلابی در یک مبارزه و ستیز طولانی پیروزمند علیه جناح رویزیونیست بود که در سطح کشوری و بین المللی رقم خورد. ناگفته پیداست که نادرستی‌ها و کمبودات خط رهبری کننده انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین و در کل انقلاب چین نیز در حد خودش در برهم خوردن توازن قدرت به نفع جناح رویزیونیست در حزب کمونیست چین و دولت چین و سپس مسلط شدن بلامنازع جناح مذکور بر حزب و دولت نقش داشته است.

بنابراین توجه دقیق به نادرستی‌ها و کمبودات برشمرده در قسمت‌های قبلی این سطور، با تکیه بر جنبه‌های اساساً و عمدتاً اصولی، درست و مثبت انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین، یک ضرورت جدی برای جنبش بین المللی کمونیستی مارکسیستی-لنینیستی-مائوئیستی بین المللی محسوب می گردد. تجلیل از پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین مستلزم تکیه بر جنبه‌های اساساً و عمدتاً مثبت این انقلاب و دفاع قاطع از آن و در عین حال توجه دقیق به نادرستی‌ها و کمبودات در این انقلاب است. آنچه در سطور فوق بصورت اولیه درین مورد بیان گردید، خاکه اجمالی اولیه و غیردقیقی است که می تواند- و باید- هرچه بیشتر در جریان پیشبرد کارزار تجلیل از پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین پرورانه شود و بسط یابد.

با تأسف باید گفت که سطح درک کل جنبش چپ افغانستان و تا حد معینی سطح درک منسوبین حزب ما در مورد انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین بسیار پایین است. به همین خاطر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان کارزار تجلیل از پنجاهمین سالگرد انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی چین را در طول سال جاری بصورت یک کارزار مطالعه و بررسی تیوریک این انقلاب پیش می برد. ما در جریان پیشبرد این کارزار تجلیل، نه تنها به پرورش و بسط هرچه بیشتر نکات برشمرده در سطور قبلی این نوشته خواهیم پرداخت، بلکه به باز تکثیر اسناد موجود در مورد انقلاب فرهنگی و در صورت امکان به ترجمه پشتو یا دری آن اسنادی درین مورد که هنوز به این زبان‌ها ترجمه نشده اند، خواهیم پرداخت. امیدواریم این کار بتواند در ارتقای سطح درک منسوبین حزب ما و کل منسوبین جنبش چپ افغانستان از انقلاب فرهنگی و در کل از مائوئیزم نقش اصولی مثبت و مفیدی بازی نماید. همچنان امیدواریم که این کار بتواند در جهت تلاش برای تدویر کنفرانس بین المللی احزاب و سازمان مارکسیست-لنینیست-مائوئیست کشورهای مختلف جهان ممد و مددگار ثابت گردد.



## نامه حزب کمونیست مائوئیست ایتالیا به حزب کمونیست هند (مائوئیست)

### به حزب کمونیست هند (مائوئیست)

رفقای عزیز!

کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند، به تاریخ ۲-۹ اپریل، کارزار همبستگی با شعارهای ذیل را پیش می برد:

- رهایی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی در هند! آزادی برای تمامی زندانیان سیاسی در جهان!
- عملیات شکار سبز، جنگ علیه توده ها و حملات هوایی بالای توده ها را متوقف سازید!
- جنگ خلق ها را حمایت کنید!

این کارزار بسیار مهم است. این کارزار به بسیاری از کشورهای اروپایی و چندین کشور امریکای لاتین خواهد رسید. اهداف این کارزار تکامل بسیج توده ها و افکار عامه بخاطر کمک به بی نقاب سازی و منزوی کردن رژیم هند و حمایت از جنگ خلق در هند است.

معلومات و اخبار پیرامون کارزار در وبسایت های "راه مائوئیست" و "کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند" منتشر خواهد شد.

هر معلومات، سند، ارزیابی و پیشنهاد شما استقبال خواهد شد و از طریق مجراهای ارتباطی قابل دسترس، حتی الامکان بصورت وسیع پخش خواهد شد.

کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند پیشنهاد خود را در مورد هیئت بین المللی نمایندگان حفظ کرده است و ما تلاش خواهیم کرد که در مطابقت با جهت گیری ارائه شده عمومی توسط کمیته بین المللی حمایت از جنگ خلق در هند، چگونگی اجرای این پیشنهاد را در ماه های آینده شاهد باشیم.

بعضی از دانشگاه ها قویاً فراخوانده شده اند که به اوضاع هند توجه نمایند. شعبات، استادان و محصلان این دانشگاه ها از قبل در مبارزه بخاطر سایی بابا و محصلان جی ان یو درگیر بوده اند. به عنوان بخشی از کارزار، فراخوانی منتشر خواهد شد تا بعضی از شخصیت های دموکرات هندی درون حلقهات دانشگاهی به کشورهای متعدد اروپایی بیایند و اوضاع در هند را شرح دهند.

جنبش زنان، به ویژه در ایتالیا، در روز بین المللی زنان ابتکار همبستگی با زنان هند، به ویژه سونی رونی را روی دست گرفت و نسبت به جان باختن رفیق شوروتی ادای احترام نمود. همچنان، جنبش زنان در رشد نیرومند و خصلت فمینیسم انقلابی پرولتری خود، بخاطر اعمار پلی میان این جنبش و زنان در هند، ابتکارات بیشتر و مهم تری را تدارک می بیند.

ما روی احترامات و تعهدات سترگ خود نسبت به شما مجدداً تأکید می کنیم.

هیچ گونه واکنشی در قبال این نامه را ضروری احساس نمی کنیم. با حفظ سایت ها و آدرس های الکترونیکی رسمی به عنوان منابع قابل استفاده برای دریافت تمامی موادی که شما ضروری احساس کنید، مواد مذکور منتشر خواهد شد و در سطح بین المللی پخش خواهد گردید.

با گرم ترین احترامات رفیقانه!

**حزب کمونیست مائوئیست - ایتالیا**

# فراخوان برای یک هفته عملیاتی انترناسیونالیستی

از تاریخ ۲ تا ۹ اپریل ۲۰۱۶

رهایی بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی در هند!

همبستگی با زندانیان سیاسی در جهان!

عملیات "شکار سبز"، جنگ و حملات هوایی بالای توده‌ها را مانع شویم!

جنگ خلق در هند را حمایت کنیم!

مناطق "ادیواسی" پیشنهاد داده است.

مائوئیست‌های هند از تمامی احزاب و سازمان‌های انقلابی، سازمان‌های متحد انترناسیونالیستی، اتحادیه‌های کارگری، روشنفکران مشهور مترقی و دموکرات، کارگران، دهقانان، محصلین، جوانان، هنرمندان، نویسندگان، دانشمندان، طرفداران حفظ محیط زیست و معلمین می‌طلبد تا صدای شان را علیه تصمیم‌گیری در مورد عملیات هوایی در اکثریت مناطق "ادیواسی"، بلند نمایند و در اعتراض علیه آن، به جاده‌ها و سرک‌ها بیرون شوند.

جنگ آزادی‌بخش توده‌ها در هند نمی‌تواند توسط سرکوب وحشیانه متوقف گردد، بلکه روحیه سیاسی و همبستگی را در جنگ خلق توسعه می‌بخشد.

کمیته انترناسیونالیستی حمایت از جنگ خلق در هند، هفته عملیاتی ای را از ۲ تا ۹ اپریل در سراسر جهان به پیش می‌برد.

درین هفته، تمام کسانی که پیش‌گامان این فعالیت هستند، همبستگی شانرا با زندانیان سیاسی در زندان‌های امپریالیزم و رژیم‌های ارتجاعی، اظهار خواهند داشت و پشتیبانی خود را از مبارزات رهایی‌بخش آن‌ها ادامه خواهد داد.

**کمیته انترناسیونالیستی**

**حمایت از جنگ خلق در هند**

[csgpindia@gmail.com](mailto:csgpindia@gmail.com)

مبدل نموده اند.

مبارزه به خاطر رهایی بدون قید و شرط آن‌ها، یک وظیفه عاجل تمامی نیروهای متحد و یک پارچه می‌باشد، این مسئله بخش مهم حمایت از جنگ آزادی‌بخش شان بخاطر پیروزی را تشکیل می‌دهد.

سراسر هندوستان توسط قدرت حاکمه به صورت روز افزون به " زندان خانگی برای جنبش‌های توده‌ی " تبدیل گشته است. قدرت حاکمه هند، تحت هدایت و همکاری امپریالیست‌ها، عملیاتی را تحت نام "شکار سبز" در سراسر کشور براه انداخته است. این عملیات ظاهراً برای پاک‌سازی جنبش مائوئیستی می‌باشد ولی در حقیقت، هدف و آماج آن‌را تمامی خواسته‌های دموکراتیک توده‌ی در بر می‌گیرد. هزاران تن از اعضای و رهبران جنبش‌های دموکراتیک توده‌ی به قتل رسیده، شکنجه شده و به زندان‌ها افتاده اند. پایگاه‌های نظامی کذایی تحت قوانین ظالمانه دولت‌های ایالتی و دولت مرکزی هند، بیشتر زندانیان را با شکنجه‌های فجیع مواجه ساخته است. آن‌ها رهبران توده‌ها و مبارزین را "ضد ملی و تروریست" قلمداد میکنند.

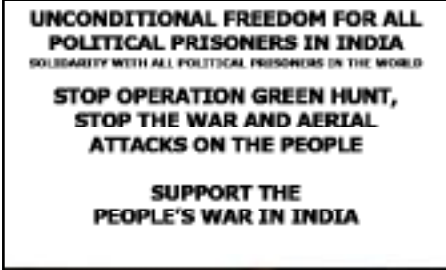
بحران اقتصادی امپریالیزم به صورت پیهم تشدید می‌یابد و همچنان حملات امپریالیست‌ها و جنگ‌های ارتجاعی در حال شکل‌گیری است. در چنین وضعیتی، "مودی برهن" و فاشیزم حکومت "بی‌جی پی"، نابودی مائوئیست‌ها، تشکیل قدرت سیاسی نوین توده‌ها و کمیته‌های انقلابی توده‌ها (کراتتی کاری جاناتا سرکار)، را در صدر اجندای خویش گرفته و سرمایه‌ طبیعی کشور را مورد چور و چپاول قرار داده است. "مودی" کسی که اولین مزدور داخلی و کمپرادور خارجی است، نه تنها این کار را آغاز کرده بلکه سومین مرحله "شکار سبز" را نیز مورد اجرا قرار داده است. در این مرحله رژیم "مودی" حمله هوایی را بالای

در هند بیش از ۱۰۰۰۰ تن از محبوسین سیاسی در زندان‌ها در رنج اند. آن‌ها اعضا، کادرها و رهبران حزب کمونیست هند (مائوئیست) و ارتش چریکی خلق هند (پی ال جی ۱) هستند؛ باشندگان دهات "ادیواسی" اند که در مقابل تخلیه اجباری محلات شان مقاومت می‌نمایند؛ دهقانانی اند که علیه امضاء "ام او یو" که بین دولت و "تی ان سی" برای استعمار بیشتر توده‌ها و ادامه غارت منابع طبیعی توسط امپریالیزم، به امضاء رسیده است، مبارزه نموده اند؛ فعالین سازمان‌های دموکراتیکی اند که علیه تهدیدات فاشیزم رژیم هندو به پا خاسته اند؛ روشنفکرانی همانند داکتر "سای بابا"، هنرمندان، محصلین و فعالین سایر سازمان‌های دموکراتیکی اند که به جرم ایستادن در صف توده‌ها، زندانی شده اند و با جنگ تحمیلی دولت هند روبرو گشته اند؛ توده زنان و سازمان‌های فمینیستی اند که متحدانه علیه تجاوزات جنسی شورش نموده اند؛ مرتکبین آن ارتش و نیروی پولیس و شبه نظامیان فاشیستی اند که از حمایت هیئت حاکمه برخوردارند.

در زندان‌ها، زندانیان با انواع آزار، شکنجه، عدم پذیرش و کلاه، وضعیت زندگی غیر انسانی، انتقال مستبدانه، ضرب و شتم شدید و شکنجه طاق‌فرسا روبرو می‌شوند و اغلباً زنان زندانی مورد تجاوز جنسی قرار می‌گیرند.

با وجود وضعیت اختناق و دستگیری، زندانیان با روحیه انقلابی، مبارزه و مقاومت می‌نمایند. آن‌ها زندان‌های تاریک را به میدان مبارزه علیه فاشیزم جاری در هند و رژیم هند

گوشه ای از گزارشات تصویری هفته عملیاتی ۲ - ۹ اپریل ۲۰۱۶



پوستر تبلیغاتی هفته عملیاتی در سراسر جهان



ایتالیا - شهر میلان



کالیسیه - ایالت هسپانیه



فرانسه



ایتالیا



تونس



کالیسیه - ایالت هسپانیه



اکوادور



ناروی



برازیل



اخبار را در وبسایت «راه مائوئیستی» مطالعه کنید



ناگزالباری - هند



ترکیه - کردستان شمالی



کلمبیا



اتریش



شیلی



جرمنی - شهر برلین



## حزب کمونیست هند (مائوئیست)

### کمیته ویژه زون دنده کرانیا

#### بیانیه مطبوعاتی

۲ اپریل ۲۰۱۶

## علیه حملات هوایی در "باس-تر" به مبارزه برخیزید!

### گروه عملیاتی "دنده کرانیا" را در ۱۵ اپریل ۲۰۱۶ به پیروزی رسانید!

محصلان، منسب—وبین مطبوعات چاپی و الکترونیکی و سازمان‌های اجتماعی محلی و غیر محلی به پاخیزند.

فراخوان حزب ما برای همه این است که علیه بمباران‌ها و حملات هوایی صدای اعتراض‌شان را بلند نمایند و علیه عملیات هوایی و جنگ حرفی که در داخل کشور بالای مردم صورت می‌گیرد به پاخیزند و در این کارزار شرکت نمایند. توطئه دولت را که باعث از بین بردن هویت باستانی اقوام کشور می‌شود، خنثی سازند. خواست حزب ما از توده‌های "چاتیسگر" و "مهراشتر" این است که اعتراضات دسته دنده کرانیا (چاتیسگر و مهراشتر) را علیه حملات هوایی و بمباران‌های طرح‌ریزی شده دولت، در ۱۵ اپریل را به پیروزی سوق دهند.

نوت ویژه: آموزش و خدمات صحی به صورت رایگان توسط دسته فراهم می‌گردد.

کشور است. حقیقت آن است که برای نیروی هوایی صلاحیت مطلق برای اجرای حملات هوایی داده شده است. این بدان معنی است که مبارزات مردم علیه تخلیه سازی مناطق شان، که به عوض آن پروژه استخراج معادن بزرگ، بندهای بزرگ، کارخانه های بزرگ ساخته شود، به سرعت در تقابل با حزب مائوئیست، ارتش گوریلابی آزادیبخش خلق (پی ال جی آ)، سازمان های توده‌یی و رهبری توده های انقلابی قرار می‌گیرد و منابعی مثل زمین و جنگلات جهت غارت به کمپنی های داخلی و خارجی واگذار می‌گردد. جدا ازین، ده ها هزار نیروی پولیس، نیروی نظامی و نیروی هوایی برای حملات هوایی بخاطر پیاده کردن همین اهداف، مورد استفاده قرار می‌گیرد. پروژه مخفی که در عقب مجوز حکومت مرکزی پنهان است، اعمار میدان هوایی نظامی "ایندراواتی" است که پارک ملی را به پایگاه نظامی تبدیل خواهد کرد.

مبارزه توده های "دنده کرانیا" صرفاً برای بدست آوردن منطقه شان نیست؛ بلکه مبارزه آن‌ها مبارزه توده‌های تحت‌ستم کشور است. مبارزه ای است برای حفاظت منابع بخاطر نسل‌های آینده. این مبارزه بخاطر حفاظت محیط زیست است. این مبارزه برای حفاظت دریاها، چشمه ها، جنگلات و سرزمین آن‌هاست. جنگ غیرعادلانه حکومت مرکزی و محلی تحت نام عملیات "شکار سبز" فقط و فقط برای حصول سود و منافع کمپنی‌ها و شرکت‌های سهامی سردمداران حکومتی است. وقت آن است که توده‌های تحت ستم، احزاب انقلابی، احزاب دموکراتیک، بخش‌های مترقی، اتحادیه های کارگری، سازمان‌های حقوق بشری، نویسندگان، هنرمندان، مؤرخین، فیلم‌سازان، وکلا،

از شش ماه گذشته، چرخ‌بال‌های جنگنده "ام-آی-۱۷" تمرینات جنگی و بمباران‌ها را در "سوکوما"، "دانتی وادا" و "بی جاپور" جنوب [ولسوالی] "باس-تر" [ایالت] "چاتیسگر" انجام می‌دهند. در اول اپریل، مقامات بلندپایه پولیس و قوای هوایی در کنفرانس مطبوعاتی اعلام کردند: «در مناطقی که مائوئیست‌ها بالای قوای امنیتی آتش می‌کشایند با جواب متقابل کماندوهای زمینی مواجه خواهند شد. این بدین معنی است که حملات هوایی و بمباران‌ها بدون هیچ دلیلی می‌تواند انجام پذیرد. در حقیقت، نیروهای مسلح دولتی در مناطق مبارزاتی روزانه شلیک می‌کنند. همه روزه زیر نام "مها ابحیا" برخوردهای جعلی و قتل‌های ساختگی صورت می‌گیرد. دستگیری‌های افراد غیر مسلح جریان دارد. پولیس در ماه اکتوبر گذشته، دروغی مبنی بر این که چرخ‌بال‌هایی را برای امداد رسانی مورد استفاده قرار می‌دهد، به راه انداخت، اما از آن‌ها برای حملات هوایی استفاده نمود. مائوئیست‌ها فقط بخاطر دفاع از خود این چرخ‌بال‌ها را مورد آماج قرار دادند، اما طی شش ماه گذشته هیچ انداختی بالای این چرخ‌بال‌ها صورت نگرفته است. علیرغم آن دولت با بمباران و حملات هوایی، که بخشی از کارزار سرکوب گرانه نظامی فاشیستی اش تحت نام "شکار سبز" است، به کار خود ادامه داده است. بحث دفاع از خود [دولت]، فقط تحمیق توده های

ویکالپ

سخنگوی کمیته ویژه زون دنده کرانیا

سند ذیل به تاریخ ۱۷ اپریل توسط ریشی راج بارل به آدرس الکترونیکی "راه مائوئیستی" ارسال شده است

## حزب مائوئیست نوینی به وجود آمده است



ما می‌دانیم که درین روزها حزب مائوئیست تحت رهبری موهن بایدیا کیرن (که حالا بنام مائوئیست‌های انقلابی نامیده می‌شود) با مشاجرات درونی وسیعی مواجه است. این حزب به سرعت به طرف انحلال روان است. یک دسته از این حزب، تحت رهبری رام بهادر تاپه "بادل" در حال ادغام این دسته در حزب کمونیست نیپال، که تحت رهبری پاراچندا قرار دارد، است. دسته تحت رهبری "بادل" کارزار جمع‌آوری امضا علیه کیرن برای پیوستن به حزب کمونیست متحده نیپال (مائوئیست) براه انداخته است. این دسته حزب کمونیست متحده نیپال (مائوئیست) را به عنوان یک حزب انقلابی و پاراچندا را به عنوان یک رهبر انقلابی پذیرفته است. این که بعد از انشعاب دسته بادل، دسته کیرن چه خواهد کرد، روشن نیست. رفیق کیرن در اسناد متعهد به انقلاب دموکراتیک نوین از طریق مبارزه مسلحانه است. اما در عمل کاری انجام نمی‌دهد. مشکل عمده رفیق کیرن، حرکت نکردن به جلو در عمل است. ما بخوبی می‌دانیم که

است. این اصل مارکسیستی - لنینیستی انقلاب یک اصل جهانی است و برای چین و تمامی کشورهای دیگر کاربرد دارد.»

آن‌ها در سندشان از پاراچندا و بابورام باترای به عنوان خاینین به انقلاب نیپال و خدمتگذاران وفادار به امپریالیزم و توسعه‌طلبی هند نام برده اند. آن‌ها در سندشان روی همبستگی انترناسیونالیستی با خلق هند، فلیپین و ترکیه، یعنی خلق‌هایی که جنگ خلق علیه رژیم‌های فاشیستی را پیش می‌برند، تأکید کرده اند. به ویژه آن‌ها روی پشتیبانی نیرومند از جنگ خلق هند تأکید کرده اند. آن‌ها متذکر شده اند که:

«ما باید جنگ خلق در فلیپین، هند و ترکیه را مطالعه کنیم و از روحیه و تجربه آن‌ها بیاموزیم. ما باید ارزش‌های انترناسیونالیزم پرولتری را تعقیب نماییم.»

آن‌ها در مورد غیرفعال شدن جنبش انقلابی انترناسیونالیستی (جا) عمیقاً اظهار نگرانی کرده اند و در سندشان نوشته اند:

«ما باید برای شکل‌دهی و راه اندازی یک مرکز جنینی نوین جنبش انقلابی انترناسیونالیستی (جا) عمیقاً توجه و خدمت نماییم.»

هفته گذشته یک گروه از مائوئیست‌ها در منطقه دانگ در بخش غربی نیپال جلسه ای دایر کردند. دانگ مدخل رولپا، روکوم و سلیمان در زون ربتی، اولین منطقه پایگاهی جنگ خلق ده ساله، است. آن‌ها یک حزب مائوئیست نوین بنام "هسته کمونیستی، نیپال" را شکل دادند. رفیق "هیمانتا پراکاش اولی" معروف به "سودرشان"، سازماندهنده "هسته کمونیستی، نیپال" است. او اولین شخصی بود که مسئولیت منطقه پایگاهی در آستانه جنگ خلق را بر عهده گرفته بود. او عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست نیپال (مائوئیست) و کمیسر بخش پنجم اردوی آزادی بخش خلق در جریان ده سال جنگ خلق بود. اکثریت اعضای یازده گانه هسته، اعضای سابق اردوی آزادی بخش خلق از منطقه پایگاهی و روشن‌فکران شهری ای هستند که به جنگ خلق ده ساله پیوستند.

در یک فراخوان بیرون داده شده در ۲۱ اپریل ۲۰۱۶، آن‌ها برای به سرانجام رساندن وظیفه انقلاب دموکراتیک نوین [سایر مائوئیست‌ها را] به پیوستن به هسته فراخوانده اند. هم‌چنان آن‌ها [سایر مائوئیست‌ها را] برای قطب‌بندی انقلابی فراخوانده اند. آن‌ها در فراخوان شان گفته‌های معروف رفیق مائو را نقل کرده اند:

«تصرف قدرت توسط نیروی مسلح و حل مسئله توسط جنگ، وظیفه مرکزی و عالی‌ترین شکل انقلاب

صرفاً نوشتن در اسناد کافی نیست. حزب دیگر، حزب کمونیست نیپال مائوئیست که تحت رهبری رفیق بیپلاو قرار دارد، نیز خط ایدئولوژیکی و سیاسی شفاف ندارد. حزب بیپلاو "انقلاب یکدست" را جاگزین انقلاب دموکراتیک نوین نموده است. آن‌ها روشن نساخته اند که "انقلاب یکدست" خصلت انقلاب نیپال است یا خصلت خط سیاسی حزب؟ تجزیه و تحلیل آن‌ها پیرامون جنبش کمونیستی بین المللی و خصلت جامعه نیپال نیز علمی نیست. در میان تمامی تشکلات مائوئیستی، تشکیلات تحت رهبری بیپلاو تا حد معینی متحرک و پویا است. اما خط ایدئولوژیکی و سیاسی مورد ادعای آن‌ها گنگ و مبهم است. در واقع آن‌ها تا هنوز در چهارراهی قرار دارند.

حالا "هسته کمونیستی، نیپال"، که جدیداً تشکیل شده است، کادرهای انقلابی تمامی احزاب مائوئیست را فراخوانده است که به "هسته..." بپیوندند. به این ترتیب قطب‌بندی جدیدی در میان جنبش مائوئیستی نیپال در حال وقوع است. رویونیست‌ها به پاراچندا خواهند پیوست. رهبر حلقه اردوگاه جدید انقلابی و انقلابیون دیگر اردوگاه انقلابی جدیدی را شکل خواهند داد. امکان برداشته شدن گامی برای اتصال میان "هسته..."، دسته تحت رهبری بایدیا و حزب کمونیست نیپال مائوئیست تحت رهبری بیپلاو وجود دارد. تقاضای زمان این است که انقلابیون دیر یا زود مرکز جدیدی برای انقلاب دموکراتیک نوین تحت رهبری مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم تشکیل دهند.

واقعیت این است که اکثر رهبران و کادرهای انقلابی می‌پذیرند که انقلاب جامعه نیپال انقلاب دموکراتیک نوین است و بدون مبارزه مسلحانه ما نمی‌توانیم به آرمان کمونیسم نائل شویم. اما در عمل این‌ها نمی‌خواهند به پیش حرکت کنند. چه نوع مبارزه مسلحانه‌ای؟ خط ایدئولوژیکی و سیاسی موضوعی است که رفقای انقلابی نیپالی درین روزها مورد بحث قرار داده اند.

می‌خواهیم روشن بسازیم که: واضح است که انقلاب نیپال در نهایت باید راه جنگ خلق-راه مائوئیستی دارای خصلت نیپالی را در پیش بگیرد. درین مورد نباید هیچ‌گونه سردرگمی وجود داشته باشد. سند "هسته..." هم‌چنان سطور ذیل از سند معروف رفیق مائوتسه دون "مسایل جنگ و استراتژی" را بیان داشته است:

«هر کمونیست باید این حقیقت را قاطعانه درک کند که: قدرت سیاسی از لوله تفنگ بیرون می‌آید. اصل ما این است که حزب بر تفنگ فرمان‌دهی نماید و هیچ‌گاه نباید تفنگ بتواند بر حزب فرمان‌دهی نماید. با این وجود با داشتن تفنگ ما می‌توانیم سازمان‌های حزبی ایجاد کنیم، چنانکه سازمان‌های حزبی نیرومندی که توسط ارتش هشتم در شمال چین ایجاد شده گواهی می‌دهد. ما هم‌چنان می‌توانیم کادرسازی کنیم، مکاتب ایجاد نماییم، فرهنگ‌سازی کنیم و جنبش توده‌یی به وجود بیاوریم. در ینان همه چیز با داشتن تفنگ به وجود آمده است. همه چیز از لوله تفنگ بیرون آمده و رشد کرده است. طبق تیوری مارکسیستی در باره دولت، ارتش مؤلفه عمده قدرت دولتی

است. هر کسی که بخواهد قدرت دولتی را تصرف نماید و آن را حفظ نماید باید یک ارتش نیرومند داشته باشد. بعضی‌ها ما را به عنوان طرفدار "قدرت مطلق جنگ" به استهزاء می‌گیرند. بلی! ما طرفدار قدرت مطلق جنگ انقلابی هستیم. این خوب است نه بد، این مارکسیستی است. تفنگ‌های حزب کمونیست روسیه سوسوسیالیسم به وجود آورد. ما باید یک دولت جمهوری دموکراتیک به وجود بیاوریم. تجربه مبارزه طبقاتی در عصر امپریالیسم بما می‌آموزاند که تنها توسط قدرت تفنگ است که طبقه کارگر و توده‌های زحمت‌کش می‌توانند بورژوازی و فیودال‌های مسلح را شکست دهند. بدین معنی می‌توان گفت که تنها با تفنگ می‌توان تمام جهان را متحول ساخت. ما طرفدار از میان بردن جنگ هستیم، ما جنگ نمی‌خواهیم، اما جنگ تنها می‌تواند از طریق جنگ برانداخته شود و برای رهایی یافتن از تفنگ ضروری است که تفنگ بدست بگیریم.»

این نکته را باید یادداشت نماییم که اگر ما انقلابی هستیم و اگر ما مائوئیست هستیم، باید بدون تردید روحیه و ارزش نوشته ذکر شده رفیق مائوتسه دون را تعقیب نماییم. تعقیب مارکسیسم به معنای بکاربردن آن در عمل است.



سند ذیل قبلاً توسط «گروه مائوئیستی شورش» - گروهی از رفقای مائوئیست ایرانی - ترجمه و منتشر گردیده است و اینک یک بار دیگر، بدون هیچگونه تغییر و به همان صورت ترجمه و منتشر شده قبلی، توسط ما مجدداً انتشار می یابد

## مائوئیسم دلیل زنده بودن تپه ها در فیلیپین

«به پاخته» بود تا به ستم فئودالی و غارت امپریالیستی پایان دهد. حتی اگر معیارهای بدبینانه و عیب جویانه امروزی را ملاک قرار دهیم، مائو سزاوار آن است که از او به عنوان میهن پرست و قهرمانی راستین که انقلاب چین را رهبری نمود، یاد گردد.

اما افسوس که به لطف تبلیغات جنگ سرد، نزد بسیاری مائو به عنوان دیکتاتوری چاق که تنها درگیری ذهنی اش قدرت و ایدئولوژی و افیون بود، فوراً رد می گردد.



واقعاً تاسف بار است؛ چرا که مائو آموزه های مفید بسیاری عرضه داشته که می توانند برای ۹۹ درصد جمعیت جهان سودمند باشند. بگذار محققین و پژوهشگران مجهز به تمام امکانات، فضای مجازی را با مدارک واقعی یا قلابی از پلشتی های زندگی خصوصی مائو بترکانند؛ اما وظیفه ی دانش آموزان تاریخ نظیر ما و کسانی که می خواهند از انقلاب پیروزمند چین بیاموزند، خواندن و رای لفاظی های ضد کمونیستی و مطالعه ی سیستماتیک مفهوم مائو و مائوئیسم است؛ حتی اگر این مطالعه نه به ترقی آکادمیک و نه به یک شغل نویسندگی نان و آب دار منجر گردد.

پس مائو و مائوئیسم به ما چه خواهند داد؟ آنچه که مائو زدودن را نزد فعالان جوان و انقلابیون سال های ۵۰ و ۶۰ محبوب و عزیز ساخته بود، چه بود؟ او چگونه توانست الهام بخش مبارزه ی ضد استعماری در سال های اولیه دوران جنگ سرد باشد؟ و آیا مائوئیسم،



از سال های ۱۹۶۰، مائوئیسم در جامعه ی فیلیپین به یک «نیروی مادی» بدل شده است. با تاسیس مجدد حزب کمونیست ملهم از مائوئیسم در سال ۱۹۶۸، بنیان گذاری ارتش چریکی مائوئیستی در سال ۱۹۶۹ و برپایی جشن استقبال از انقلاب پیش رو توسط فعالان دانشجویی در سال ۱۹۷۰، سیاست بسیار مطبوع تر گردید. به فاصله ای کوتاهی پس از آن، مقولات مائوئیستی نظیر «نیمه فئودالیسم»، «مشی توده ای»، «خدمت به خلق» و «جنگ طولانی مدت خلق» به مقولاتی همه گیر و معرّف عام بدل گردیدند. این عبارات در دوران مبارزه ی ضد دیکتاتوری سال های ۱۹۷۰ در سراسر کشور به شکل وسیعی گسترش یافتند.

با این حال، امروزه مائو و مائوئیسم به کرات در جریان رسمی مطبوعات مورد هجو و کنایه قرار می گیرند. اساتید مارکسیست در دانشگاه ها مشغول به کارند، اما مائوئیست ها چه؟ چپ هایی هستند که با کبر و غرور خود را ضد استالین و ضد مائو می نامند. این کمکی به آن نمی کند که حکومت چین امروز در جهان به مثابه ی یکی از امّ الفسادان عالم رفتار می کند. آیا این که ما تصریح نماییم پلیت بوروی چین، پیش تر و از وقتی دن شیائوپین در ۱۹۷۸ قدرت را به دست گرفت، از جوهر آموزه های مائو دست شست، کمکی می کند؟

نسل های بعد از ما، بدون داشتن درکی مناسب از تاثیر بزرگ مائو بر تاریخ مدرن جهان - وقتی که خلق چین را در دوران جنگ جهانی دوم، در مبارزه علیه سلطه ی خارجی و متعاقباً در ۱۹۴۹ در جریان رهایی ملی رهبری نمود - بزرگ می شوند. یک چهارم جمعیت بشر



نویسنده: مونگ پالاتینو

مترجم: ش. جوان

حضور شورشیان کمونیست در سرحدات جنگلی کشور را چگونه توضیح می دهید؟ آخرین فضاهای سبز باقیمانده در مناطق دورافتاده و روستانشین، به شکل قابل توجهی به دژهای مستحکم ارتش نوین خلق تبدیل شده اند. پس اگر استانی توسط ارتش نوین خلق آزاد اعلام می گردد، چه کسی واقعاً خوشحال می گردد؟ توده ها یا صنایعی که دمار از روزگار آن ها در می آورند؟ به نظر می رسد برای حفظ غنای گونه های گیاهی و جانوری کشور، نیاز به آن است که جنگاوران سبز بیشتری با خصائل و خصوصیات ارتش نوین خلق عازم میدان گردند. سرخ ها احتمالاً قابل اتکاءترین متحد سبزه ها هستند؛ ولو اینکه سخن گفتن از این اتحاد امکان پذیر نباشد. این خلق و مقاومت او است که تپه ها را زنده نگه می دارد و یار و یاور او در این راه، ارتش نوین خلق است.

اما بدون ذکر دلایل استقرار نیروهای ارتش نوین خلق در مناطق روستایی، روایت مبارزه ناقص می ماند. آیا از آنان انتظار نمی رود که قدرت را در مراکز شهری به دست گیرند؟ شاید در آینده بتوانند، اما در حال حاضر ما در حال ساختن نهادهای قدرت سیاسی در روستاها هستیم. این میراث مائوئیسم در فیلیپین است.

مارکسیسم را به انحراف کشانیده یا برعکس، بدان غنا بخشیده است؟



## انقلاب فرهنگی:

مائوئیسم به عقیده بدگویانش دربرگیرنده دفاع از استالینیسم است. مائو به راستی از میراث استالین دفاع کرد؛ اما او همچنین منتقد دیدگاه‌های استالین بود. برای مثال، او اظهارات استالین مبنی بر این که در اتحاد شوروی هیچ طبقه و مبارزه‌ی طبقاتی وجود ندارد، را رد نمود. مائو هشدار داد که حتی اگر حزب پرولتری در قدرت باشد، بقایای نخبگان کهن و ایدئولوژی مسموم نظام کهن همچنان دارای قدرت نفوذ هستند. مائو اضافه کرد که تضادهای بین ایده‌های کهنه و نو در درون رهبری حزب کمونیست به موجودیت خود ادامه می‌دهند.

مائو در سالهای ۱۹۵۰ با مطالعه‌ی تجربه‌ی اتحاد شوروی نتیجه گرفت که مصادره و رشد نیروهای مولده کافی نیست، بلکه روبنا نیز می‌بایست به‌طور متناظر تحول یابد. به عبارت دیگر، اگر اقتصاد به مالکیت اجتماع درآید، تنها نیمی از انقلاب به‌انجام رسیده است. انقلاب باید با رادیکالیزه ساختن باورها، نهادها و سنت‌های خلق تداوم یابد. به عقیده مائو، استالین بیش از حد بر بنیان اقتصادی تمرکز می‌کرد و دیگر جنبه‌های انقلاب که به همان درجه حائز اهمیت بودند، یعنی مبارزه در حوزه‌ی ایده‌ها و فرهنگ و از این رو نیاز به یک «انقلاب فرهنگی» را نادیده می‌گرفت.



کرد که انقلاب چین می‌تواند ابتدا از طریق یک جنگ خلق به پیروزی نائل شود. نیروهای ارتجاع در شهرها قوی و از قرار معلوم شکست ناپذیر، اما در مناطق روستایی ضعیف و آسیب پذیر هستند. بحث مائو این بود که یک ارتش خلق می‌تواند در این مناطق دورافتاده قدرت و استحکام یابد، پایگاه سیاسی حزب را در مناطق روستایی ایجاد و تقویت نماید و آنگاه که جنبش توده‌ای قادر شد نیروی کافی به‌دست آورد، شهرها را تصرف کند. مائو بر این تاکید می‌کرد که اگر ارتش خلق در مناطق روستایی و دور از مرکز علیه فئودالیسم مبارزه کند، از حمایت توده‌ای برخوردار خواهد گردید. پس برای جذب توده‌های دهقانان، ارتش خلق باید اصلاحات ارضی را در رأس برنامه‌ی خود قرار دهد. انقلاب برای استقلال و دموکراسی اصیل و واقعی می‌جنگد، اما به همین جا ختم نمی‌شود و تا ساختمان سوسیالیستی جامعه ادامه می‌یابد. این جوهر انقلاب دموکراتیک ملی با چشم اندازی سوسیالیستی است.



اگر این [نظریات مائو - م] به نظر آشنا می‌رسد، به این خاطر است که ارتش نوین خلق [فیلیپین - م] متعهد به همین الگوی مبارزه‌ی انقلابی است. ارتش نوین خلق از ارتش‌های رهایی‌بخش خلق چین الگو برداری کرده است. تفاوت اساسی این است که ارتش نوین خلق در یک مجمع الجزایر (مجمع الجزایر فیلیپین - م) می‌جنگد. اما هدف نهایی یکی است: محاصره‌ی شهرها از طریق روستاها؛ روستاهایی که در آنها موجودیت قدرت سیاسی امکان پذیر است.

مائو به اشتباهات استالین اذعان نمود، اما رهبران جدید اتحاد شوروی را به‌خاطر کنار گذاشتن میراث مثبت استالین، به شدت هدف انتقاد قرار داد. این جرعه‌ای برای انشقاق در بلوک کمونیستی بود که ما آن را با عنوان «جدل بزرگ» می‌شناسیم. مبارزه‌ی ایدئولوژیک وقتی جدی‌تر شد که مائو هشدار داد رویونیست‌های مدرن در اتحاد شوروی رهبری را به‌چنگ گرفته‌اند. او گفت اگر پیروزی آغازین انقلاب تحکیم نیابد، احیای سرمایه‌داری یک احتمال واقعی است. وقتی او در سال ۱۹۶۶ توده‌های چینی را برای حمایت از «انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی» بسیج نمود، ثابت کرد که در این امر بسیار جدی است.

او رهبری بود که از توده‌های تحت رهبری‌اش خواست تا کنترل بر بروکراسی را به‌چنگ گیرند. طبیعی است که دنیای غرب مائو را دیوانه‌ای بیانگارد که در تقلا‌ی یک کودتای شخصی بود.

اما بعد از آنکه «رویزیونیست‌های مدرن» پولیت‌بورو را در چین و روسیه به‌دست گرفتند و در پی آن سرانجام سرمایه‌داری در روسیه و چین احیا گردید، به اثبات رسید که حق با مائو بوده است.

مائو این اساسی‌ترین آموزه‌ی مارکسیستی نیمه‌ی دوم قرن بیستم را به‌ما عرضه داشت: دیکتاتوری پرولتاریا همواره می‌تواند به حاکمیت پیشین بورژوازی عقب‌گرد نماید. از این رو برای شکست قاطع رویونیسم مدرن، توده‌ها باید به‌طور مداوم بسیج و در دفاع از انقلاب وارد میدان شوند.



## جنگ خلق:

اما در فیلیپین استراتژی مائو برای پیروزی انقلاب، جالب‌تر و کاربردی‌تر است. تحلیل او در خصوص نامناسب بودن مدل انقلاب بلشویکی روسیه برای شرایط حاکم بر چین نیمه‌فئودال و نیمه‌مستعمره، توسط انقلابیون دهه‌ی ۶۰ فیلیپین نیز اتخاذ گردید. مائو به‌جای قیام شهری به پیشگامی کارگران، این را تئوریزه



## آموزگاری به نام مائو:



میراث مائو در فیلیپین به ارتش نوین خلق محدود نمی‌شود. ترجمه‌ی شماری از مقاله‌های مائو توسط فعالان، به مباحث سیاسی در این کشور غنا بخشید. اینکه می‌گوییم «از توده‌ها بیاموزید»، بازتابی از قدرت پایای نقل قول‌های مائو است. کتاب سرخ چین آموزه‌های مائو را به‌طور خلاصه بازگو می‌کند، اما محتوای اساسی این آموزه‌ها طی مبارزه برای دموکراسی ملی و جامعه‌ی فیلیپین و انقلاب، معروف‌ترین جزواتی که در این کشور در رابطه با کمونیسم نوشته و منتشر شده‌اند، بسط و تفصیل یافته است.



سخنرانی مائو در نشست ینان که درباره‌ی هنر و فرهنگ هنر بحث می‌کند، به‌واسطه‌ی رادیو-کالیزه کردن تعداد بیشماری از هنرمندان و نویسندگان دهه‌ی ۷۰، اهمیت بالایی خود را نشان داد. این سخنرانی همچنین چارچوبی برای چگونگی ادغام زیبایی‌شناسی و سیاست فراهم آورد که چشم‌اندازهای محافظه کارانه‌ی چیره بر فضای آکادمیک را به چالش می‌کشد.

دانشجویان فلسفه با خواندن درباره‌ی

پراتیک و درباره‌ی تضاد می‌توانند سطح دانش خود درباره‌ی دیالکتیک هگلی را بالا ببرند. مقاله‌ی دیگر مائو، درباره‌ی برخورد صحیح با تضادها در میان خلق، نمونه‌ای موثر از کاربست فلسفه‌ی او برای مطالعه‌ی اوضاع سیاسی است.



مائو برای از میان برداشتن فاصله‌ی مناطق شهری و روستایی دست به پیکاری خلل‌ناپذیر زد. او در پی محو تقسیمات میان کار یدی و فکری بود. مائو دانش مجرد بریده از پراتیک را به استهزا می‌گرفت و تئوری پرداز می‌فرط را از تک و تا می‌انداخت. او جوانان و روشنفکران را فرا می‌خواند تا در میان دهقانان و کارگران زندگی کنند.

رشد شگفت‌انگیز اقتصادی چین عمدتاً به‌رغم‌های بازار که بعد از ۱۹۷۸ به‌راه انداخته شد، نسبت داده می‌شود. اما در واقع در دوران فاز ساختمان سوسیالیستی تحت رهبری مائو بود که اقتصاد قدرتمند چین شالوده ریزی شد.

## مائو در قرن بیست و یکم:



تا کی رهبری چین این ادعای دروغین را تکرار خواهد کرد که مفتخر به ادامه دادن میراث رادیکال مائو است؟ آیا خلق چین برای انقلابی نو، بار دیگر به مبارزه خواهد خواست؟

مائو مرده است، اما مائوئیسم در قرن بیست و یکم به‌حیات خود ادامه می‌دهد. چه چیزی آن را در تمام این سالها و علیرغم خیانت در جبهه‌ی چین همچنان زنده نگه داشته است؟ یک نسل جدید از فعالان ایده‌های اصیل و جسورانه مائو را باز می‌جویند. انقلابیون در سراسر جهان اعتبار و حقانیت مائوئیسم را می‌پذیرند و بر آن

صحه می‌گذارند. و اینجا در فیلیپین، آموزه‌های مائو درباره‌ی جبهه‌ی متحد، رهبری او در راهپیمایی طولانی، تئوری‌های او درباره‌ی جنگ چریکی، بحث‌های او علیه انقلابیون دروغین و حتی سیاست خارجی او مشتاقانه و در نشست‌های مطالعاتی گوناگون از مناطق روستایی گرفته تا شهرها به بحث گذاشته می‌شود.

## ۱۲ آوریل ۲۰۱۵

مونگ پالاتینو فعال سیاسی فیلیپینی و نماینده‌ی سابق مجلس فیلیپین است. او ریاست باگونگ آلیانس‌نگ ماکابایان میترو مانیلا را برعهده دارد. آدرس پست الکترونیک او:

Mongpalatino@gmail.com

\*\*\*\*\*

## یادداشت‌ها

(\* دو جزوه‌ی معروف که در دهه‌ی ۷۰ میلادی به‌قلم بنیانگذار و صدر حزب کمونیست فیلیپین، خوزه ماریا سیسون به رشته‌ی تحریر درآمد و منتشر گردید. برای دسترسی به ترجمه‌ی انگلیسی این دو جزوه، به ترتیب به لینک‌های زیر مراجعه کنید:

[https://aklatangbayan.files.wordpress.com/2013/02/stuggle\\_for\\_national\\_democracy\\_third\\_ed\\_-\\_book.pdf](https://aklatangbayan.files.wordpress.com/2013/02/stuggle_for_national_democracy_third_ed_-_book.pdf)

<http://www.bannedthought.net/Philippines/CPP/1970s/ippineSocietyAndRevolution-4ed.pdf>

مرجع

Maoism is the reason why the hills are alive in the Philippines

<http://bulatlat.com/main/2015/04/11/maoism-is-the-reason-why-the-hills-are-alive-in-the-philippines/#sthash.tdMRtI2R.dpuf>



WWW.SHOURESH-IRAN.COM

سند ذیل قبلاً توسط «گروه مائوئیستی شورش» - گروهی از رفقای مائوئیست ایرانی - ترجمه و منتشر گردیده است. ما لازم نمی بینیم تغییراتی در سند ارائه شده توسط آن رفقا وارد نماییم. بنابراین آن را به همان صورت ترجمه شده و منتشر شده توسط آن رفقا، مجدداً نشر می نماییم.

## جبهه‌ی دموکراتیک ملی فیلیپین:

### تشکیل ۶ جبهه‌ی چریکی دیگر در میندانائو

مقدمه‌ی گروه مائوئیستی شورش:

نوشته‌ی زیر برگرفته از [Davaotoday.com](http://Davaotoday.com) - یکی از خبرگزاری‌های مشهور کشور فیلیپین است. این خود نشان‌دهنده‌ی آن است که جنگ خلق در مجمع‌الجزایر فیلیپین در آستانه‌ی سال جدید میلادی به چنان موفقیت‌ها و پیشروی‌هایی دست یافته است که حتی رسانه‌های سرمایه‌داری ناچار به انعکاس زوایایی از آن هستند. گرچه بنا به ماهیت طبقاتی این رسانه‌ها، این انعکاس خبری نیز نمی‌تواند از ابراز نظرهای تحریف‌آمیز و ارائه‌ی تصویری سروته‌زده از مبارزات پرولتاریا مبری باشد و البته که نیست.

با این وجود شورش در راستای وظیفه‌ی انترناسیونالیستی خود در دفاع از جنگ خلق در اقصا نقاط جهان و به خصوص جنگ خلق در فیلیپین که یکی از پویاترین جبهه‌های پیکار پرولتاریا در روزگار ماست و می‌تواند درس‌های عمیقی را برای جنبش کمونیستی ما در بر داشته باشد، لازم می‌داند این خبر را به زبان فارسی ترجمه و منتشر نماید.

حزب کمونیست فیلیپین که مارکسیسم لنینیسم مائوئیسم را



### جبهه‌ی دموکراتیک ملی: تشکیل ۶ جبهه‌ی چریکی دیگر در میندانائو

داوائو سیتی: جبهه‌ی دموکراتیک ملی اعلام داشت با وجود آنکه حکومت ۶۶ درصد نیروهای نظامی‌اش را در جزیره‌ی میندانائو ظو مستقر کرده است، انقلاب به پیشرفت خود در این جزیره ادامه می‌دهد.

جبهه‌ی دموکراتیک ملی جناح سیاسی حزب کمونیست فیلیپین است که در روز شنبه (۲۷ دسامبر ۲۰۱۵-م) چهل و هفتمین سالگرد تأسیس خود را جشن می‌گیرد.

«جنگ طولانی‌مدت خلق» حزب کمونیست فیلیپین به عنوان دیرپاترین قیام در آسیا شهرت یافته است.

تئوری راهنمای انقلاب فیلیپین می‌داند، رهبری جنگ خلق در این کشور را برعهده دارد. برای آشنایی بیشتر با مواضع این حزب به دو نوشته‌ی [مائوئیسم](#) [دلیل زنده بودن تپه‌ها در فیلیپین](#) و [اگر کمونیست‌ها در فیلیپین قدرت را به دست بگیرند، چه خواهند کرد؟](#) که پیش‌تر توسط گروه مائوئیستی شورش ترجمه و منتشر شده‌اند، مراجعه کنید.



کااوریس، سخنگوی جبهه‌ی دموکراتیک ملی در میندانائو طی بیانیه‌ای اعلام نمود که عملیات ضد شورش حکومت، اوپلان بایانیهان «۶۰ گردان یا شصت درصد نیروهای نظامی خود را در میندانائو به صف کرده است.» به گفته‌ی کا اوریس شصت درصد کل مواضع نظامی در مناطق ارتش نوین خلق مستقر هستند.

او گفت که «به‌غیر از پلیس ملی فیلیپین، واحد جغرافیایی نیروی مسلح شهروندان و گروه‌های شبه‌نظامی دیگر نظیر بی.یو.ال.آی. اف، آلاما، گانتانگان، باگانا، ماگاهات، کاپلت و غیره در اینجا حضور و فعالیت دارند. این به‌منزله‌ی به کار بردن تاکتیک‌های تروریستی کثیف و سبوعانه در هجوم به‌خلق و در مقابله با مخالفت‌های مسلحانه و غیره مسلحانه است.»

جبهه‌ی دموکراتیک ملی اظهار داشت که نیروهای ارتش نوین خلق از ۴۰ جبهه‌ی چریکی در سال اول دولت آکوئینو یعنی سال ۲۰۱۰، به ۴۶ جبهه‌ی چریکی پراکنده در ۵ بخش گسترش یافته‌اند.

بنا به اعلام جبهه‌ی دموکراتیک ملی «هیچ‌یک» از جبهه‌ها متلاشی نشده‌اند.

جبهه‌ی دموکراتیک ملی از ۲۰۰ شهر و منطقه‌ی شهری که نیروهایش در آن به فعالیت مشغول می‌باشند، سخن گفته است و اینکه آن‌ها در سال ۲۰۱۰ در ۱۸۵۰ روستا فعال بوده‌اند و امروز این تعداد به ۲۵۰۰ افزایش یافته است.

به گفته‌ی کا اوریس «یک‌سوم از این مناطق تحکیم یافته‌اند، درحالی‌که تعداد مناطق بیشتری در سطح حومه‌نشین و برخی در سطح شهر و شهرک، تحت حاکمیت ارگان‌های

قدرت سیاسی حکومت دموکراتیک خلق بوده‌اند.»

اینک پایگاه توده‌ای ارتش نوین خلق از ۱۳۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۰ به ۲۰۰ هزار نفر رشد یافته است. کا اوریس گفت که این پایگاه توده‌ای مانور آسان‌تر نیروهای ارتش نوین خلق در مناطق روستایی و پایگاهی باثبات برای حزب و مبارزان تازه‌کار ارتش نوین خلق را فراهم آورده است و به برپایی کارزارهای خلقی کمک خواهد نمود.

کا اوریس اعلام کرد که رشد تشکیلات ارتش نوین خلق، همچنین به رشد تعداد حملات تاکتیکی انجام‌گرفته در میندانائو منجر گردیده است.

به گفته‌ی او حملات تاکتیکی به‌طور سالیانه رشد یافته‌اند: ۲۵۰ حمله در ۲۰۱۰، ۳۵۰ حمله در ۲۰۱۱، ۴۰۰ حمله در ۲۰۱۲، قریب به ۴۰۰ حمله در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ و نزدیک به ۵۰۰ حمله در سال جاری.

کا اوریس از برخی از بزرگ‌ترین این عملیات‌ها منجمله یورش علیه ارتش خصوصی خوزلیتو بریلانتس جونینور شهردار شهرک مانکایودر آوریل ۲۰۱۴ نام برد که طی آن ارتش نوین خلق موفق به مصادره‌ی ۷۴ اسلحه گردیده بود.

بنا به گفته‌ی کا اوریس سایر عملیات موفق ارتش نوین خلق مشتمل بر یورش به مقرهای فرماندهی پلیس ملی فیلیپین در تیگیبائو، زامبونگا دل سور، دون ویکتوریانو، میسامیس اوکسیدنتال، آلگربا، سوریگائو دل نورت؛ حمله به آژانس امنیتی ناجیان زمین در بوتوان سیتی؛ حمله به انجمن سازمان‌دهی ارتش برای صلح و توسعه در گینگوگ سیتی، تانداگ سیتی و سن فرناندو از توابع بوکیدونگ؛ حمله به یگان ارتش واحد جغرافیایی نیروی مسلح شهروندان در بینیکالان، سن لوئیز، آگوسان دل سور؛ در بالینگاساگ، میسامیس اورینتال و بانای بانای از توابع داوائو ارینتال؛ و مجازات سه کمپانی بزرگ معدن در تاگانیتو، کالور، سوریگائو دل نورت و مزرعه‌ی بزرگ در دل مونته فیلز از توابع بوکینون بوده است.

جبهه‌ی دموکراتیک ملی همچنین ادعا نمود که ارتش نوین خلق در سال جاری تلفاتی معادل یک گردان به نیروهای ارتش وارد نموده است.

کا اوریس گفت «در آمار فوق شمار مجروحان ارتش لحاظ نگردیده است، درحالی‌که تلفات ارتش نوین خلق در همین مدت بسیار محدود بوده است.»

به‌علاوه کا اوریس اظهار نمود که ارتش نوین خلق در طول دوران دولت آکوئینو، تنها در میندانائو ۶۱ نفر از نیروهای مقابل را به اسارت گرفته است.

گرچه فرماندهی میندانائوی شرقی ژنرال ارشد ری لئوناردو گوئرورو پیش‌تر ادعاهای ارتش نوین خلق را مهمل‌بافی در رابطه با گسترش تلاش‌های حکومت در روستاها خوانده و آن را رد کرده بود.

طرفداران صلح، حکومت و جبهه‌ی دموکراتیک ملی را به ازسرگیری مذاکرات رسمی صلح فرامی‌خوانند.

در روز پنجشنبه پلتفرم صلح جهانی فیلیپین طی بیانیه‌ای اظهار داشت که «ای‌کاش این فصل امید، الهام‌بخش هر دو طرف تخصم را الهام بخشد تا دیوار خصومت را فروریزند، در مذاکرات منظم درگیر گردند و به دهه‌ها درگیری مسلحانه در کشور پایان دهند.»

۲۴ دسامبر ۲۰۱۵

\*\*\*\*\*

مرجع: (داوائو تودی دات کام)

<http://davaotoday.com/main/politics/ndf-6-more-guerrilla-fronts-formed-in-mindanao>



## فراخوان برای یک هفته عملیاتی انترناسیونالیستی

از تاریخ ۲ تا ۹ اپریل ۲۰۱۶ صفحه ۱۸

علیه حملات هوایی در "باستر" به مبارزه  
برخیزید! گروه عملیاتی "دنده کرانیا" را در  
۱۵ اپریل ۲۰۱۶ به پیروزی رسانید!

بیانیه مطبوعاتی کمیته ویژه زون دنده کرانیا -

حزب کمونیست هند (مائوئیست) صفحه ۲۰

حزب مائوئیست نوینی به وجود آمده است

سند ارسالی ریشی راج بارل به آدرس "راه مائوئیستی" صفحه ۲۱

مائوئیسم دلیل زنده بودن تپه‌ها در فیلیپین

به نقل از رفقای "گروه مائوئیستی شورش" صفحه ۲۳

جبهه‌ی دموکراتیک ملی فیلیپین:

تشکیل ۶ جبهه‌ی چریکی دیگر در میندانائو

به نقل از رفقای "گروه مائوئیستی شورش" صفحه ۲۶



وب سایت کمیته پشتیبانی از جنگ خلق در هند:

<https://icspwindia.wordpress.com/>

وبلاگ « راه مائوئیستی »:

<http://maoistroad.blogspot.ca/>

وبسایت حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان:

ایمیل آدرس شعله جاوید:

WWW.SHOLAJAWID.ORG

Sholajawid2@hotmail.com

قیمت بیرون از کشور : ۲ دالر

قیمت داخل کشور : ۳۰ افغانی